

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۸۱، یکشنبه اول اسفند ۱۳۹۵ - ۱۹ فوریه ۲۰۱۷

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت چهل و ششمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل.....ص ۲

برگزاری پر شور چهل و ششمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل.....ص ۵

پایداری مادران شهدا و زندانیان سیاسی، یک تجربه مبارزاتی

متن سخنرانی رفیق زینت میرهاشمی در همایش چهل و ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل.....ص ۸

همبستگی با جنبشهای اعتراضی نیروهای کار، دفاع از مقاومت زندانیان سیاسی

سخنرانی لیلا جدیدی در همایش چهل و ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل.....ص ۱۸

چهار شعر از رفیق باقر مومنی.....ص ۲۷

پیام جمعی از دانشجویان کمونیست.....ص ۲۸

پیام هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - لرستان.....ص ۲۸

پیام پرستاران پیشگام.....ص ۲۹

پیام جمعی از کمونیستهای آذربایجان . ایران.....ص ۲۹

پیام برخی از فعالان کارگری.....ص ۳۰

پیام یک رفیق.....ص ۳۰

نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با موفقیت به کار خود پایان داد.....ص ۳۱

قطعه نامه پیرامون آرایش رژیم پس از عقب نشینی هسته ای _ مهدی سامع/ منصور

امان....ص ۳۲

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران...ص ۳۴

سرود آفتابکاران جنگل.....ص ۵۵

سرود انترناسیونال.....ص ۵۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت چهل و ششمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



چهل و شش سال از روزی که یک گروه کوچک چریکی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل (در استان گیلان) حمله کردند می گذرد. حماسه سازان فدایی در شامگاه روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ دوران جدیدی را در جنبش رهایی بخش و جنبش کمونیستی مردم ایران به ثبت رساندند. آنان با عمل جسورانه و بن بست شکنانه خود، ضربه ای جدی به فضای اختناق وارد کرده و با درهم شکستن قدرت مطلق دیکتاتوری شاه، آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید دادند.

رژیم شاه در واکنش به حماسه سیاهکل، به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا

مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

شاه و کارگزاران امنیتی او فکر می کردند که با این کشتار وحشیانه می توانند مشعل فروزانی که چریکها برافروخته بودند را خاموش کنند. اما دیری نپایید که آثار این رستاخیز سترگ با حمایت گسترده بخشهای گوناگون جامعه خود را نشان داد.

برجسته ترین شاعران، نویسندگان، هنرمندان آزادیخواه و پیشرو ترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می تپید، از جنبش پیشتاز فدایی به اشکال مختلف حمایت کردند. واکنش شاه و خمینی به جنبشی که با حماسه سیاهکل آغاز شد، نشان دهنده اهمیت و نقش این رویداد در یک دوره از تاریخ است.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

حماسه و رستاخیز سیاهکل و پیکارهای بی امان چریکهای فدایی خلق در حالی که تعادل «قدرت مطلق شاه» و «ضعف مطلق مردم» را برهم زد، یک قطب بندی سیاسی بین آزادیخواهی و دیکتاتوری ایجاد کرد و سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران توانست پا برجا بماند و با وجود کمبودها و اشتباهاتش به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه قیام بهمن ۱۳۵۷ فرا



روید. ما سیمای حماسه آفرینان سیاهکل را در قیامهای تاریخی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ و در طول سال ۱۳۸۸ مشاهده کردیم و دیدیم که چگونه «آفتابکاران جنگل» تکثیر شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و هفتمین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

هموطنان!

در سالی که در حال پشت سر گذاشتن آن هستیم، تضاد بین مردم ایران و استبداد دینی حاکم بازهم تشدید شد. خامنه ای برای حفظ ولایت ننگین اش ابزاری جز سرکوبی مردم و صدور تروریسم و بنیادگرایی ندارد. همه رویدادهای سال گذشته نشان داد که حاکمیت توان و ظرفیت غلبه بر بحرانهای عمیقی که هر روز عمق و وسعت می گیرد را ندارد. مردم به فلاکت کشیده شده اند اما تسلیم نشده و روزانه با حرکتهای اعتراضی خود رژیم را به چالش می کشند. همچنین تضاد و کشاکش در درون هر قدرت و ثروت، به ویژه در دوران پس از نوشیدن جام زهر هسته ای از جانب ولی فقیه، به گونه بی سابقه ای تشدید شده است. مواضع ما پیرامون این تحولات از طریق مصوبات نهمین شورای عالی سازمان که به زودی تشکیل می شود، اعلام خواهد شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و هفتمین سال تولد خود همچنان بر عزم و اراده خویش برای مبارزه تا رسیدن به دنیایی عاری از ستم، تبعیض و استثمار تاکید می کند. ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه آنانی که در اعتصاب غذا به سر می برند، هستیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و عقیدتی حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم. ما انتقال سازمانیافته و موفقیت آمیز زنان و مردان مجاهد خلق از زندان لیبرتی به کشور آلبانی را یک پیروزی برای جنبش آزادیخواهانه مردم ایران می دانیم و آن را به سازمان مجاهدین خلق ایران شادباش می گوئیم. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری اسلامی که قرار است در اردیبهشت سال آینده برگزار شود را تحریم می کند و همگان را به برنتابیدن این شعبده بازی و اعتراض فعال علیه پایداری آشکار حقوق خویش فرامی خواند.

خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی در ایران است. ما از مبارزه زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند، حمایت و پشتیبانی می کنیم. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۵ - ۴ فوریه ۲۰۱۷



برگزاری پر شور چهل و ششمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

در شبی فراموش نشدنی، تولد ستاره سرخ آسمان جنبش کمونیستی ایران و فروغ ۱۵ پرتو پیشتاز آن بر فلات میهن گرامی داشته شد

از ساعت چهار بعد از ظهر روز شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۵ برابر با ۴ فوریه ۲۰۱۷، مراسم بزرگداشت چهل و ششمین سالگرد

رستاخیز سیاهکل در شهر کلن (آلمان) با شرکت ایرانیان آزادیخواه برگزار شد.

برنامه را رفیق آماندا سحر شروع کرد. او در سخن آغازین گفت: "خانمها، آقایان، دوستان و رفقا! به شما خوش آمد می گویم و در مناسبتی به بزرگی قیام سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آرزوی شبی پر بار را برای همه دوستداران آزادی و عدالت دارم. آری، آنچه ما را به گذشته پیوند می دهد، امیدهای نیک و انسانی است، همان آزادی و



عدالتی که الهام بخش تلاش و مبارزه بهترین زنان و مردان ایران بوده و پرچم سرخ اش دست به دست، نسل به نسل، به دوش کشیده می شود و هرگز بر زمین نیفتاده است.

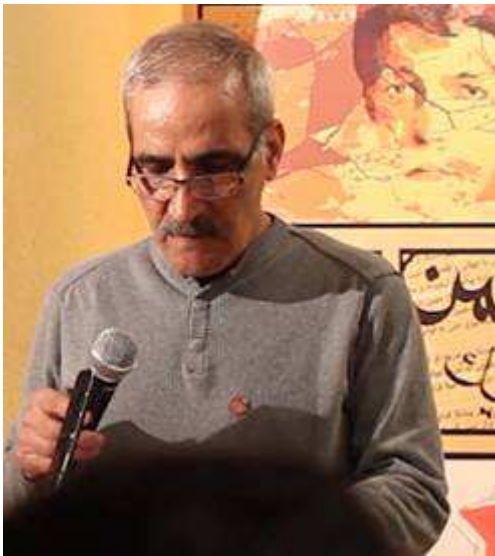
همبسته با این مبارزه جاری در رود تاریخ، به پاس و یاد قهرمانان دلیر مردم، صفایی فراهانی و ۱۴ ستاره سرخ فدایی، برخیزیم و یک دقیقه سکوت کنیم."

پس از آن، رفیق کامران عالمی نژاد برنامه گردهمایی را اعلام کرد و به دنبال آن سرود "رود" از ساخته های آقای مهرداد باران که توسط ارکستر فیلامونیک پاریس اجرا شده، پخش شد. آنگاه رفیق امیر ابراهیمی بیانیه سازمان به مناسبت چهل و ششمین سالگرد قیام سیاهکل را به آگاهی رساند. سپس نماهنگی در ستایش از پایداری مادران شهدا و زندانیان سیاسی پخش گردید و در پی آن رفیق زینت میرهاشمی سخنرانی خود پیرامون "پایداری مادران شهدا و زندانیان سیاسی، یک تجربه مبارزاتی" را آغاز کرد که مورد استقبال پرشور قرار گرفت.

در بخش بعدی همایش، نماهنگ دیگری در مورد شرایط و مبارزه نیروهای کار و مقاومت زندانیان سیاسی پخش شد و پس از آن رفیق لیلا جدیدی سخنرانی خود پیرامون "همبستگی با جنبشهای اعتراضی نیروهای کار، دفاع از مقاومت زندانیان سیاسی" را ایراد کرد که با استقبال گرم حضاران روبرو شد.

پیش از آغاز بخش دوم برنامه همایش، تنفس کوتاهی اعلام گردید که طی آن از حضاران در محیطی گرم و رفیقانه با چای، قهوه و شیرینی پذیرایی شد.

در قسمت دوم برنامه ابتدا شماری از شرکت کنندگان دیدگاه ها و پیشنهادهای خود را در مورد روشها و راهکارهایی که افراد، گروه ها و انجمنها می توانند به وسیله آنها از مبارزه زندانیان سیاسی و کارورزان پشتیبانی کنند، طرح کردند.





کامران عالمی
نژاد سپس
تعدادی از
پیامهای
رسیده به
گردهمایی را
به آگاهی
حضر رساند و
در پی آن
فیلم کوتاهی
با موضوع
چگونگی
شهادت رفیق
ایرج سپهری
در شهر آبادان
همراه با
گفتگو با دو
تن از شاهدان
عینی پخش
گردید. این
فیلم توسط
رفیق فرشید
فرشیدی
ساخته شده
است.



به دنبال آن رفیق فتح الله کیاییها دو سروده منتشر نشده از رفیق باقر مومنی را خواند. این اشعار در اردیبهشت سال ۱۳۵۰ سروده شده و برای اولین بار انتشار علنی می یافت. شعرهای یاد شده به همراه دو قطعه دیگر که در همان زمان توسط رفیق باقر مومنی سروده شده، در همین شماره "نبرد خلق" درج شده است.

فتح الله کیاییها همچنین یکی از سروده های خود را قرائت کرد که این شعر در شماره ۳۸۰ "نبرد خلق" منتشر گردیده است.

در همین قسمت از برنامه، مادر مقاوم، بانو فرزانه سا، بخش کوتاهی از خاطرات و تلاشهای خود را بیان کرد. در ادامه برنامه، رفیق ربابه یکی از سروده های خود را خواند و در ادامه، مجری برنامه تعداد دیگری از پیامها را قرائت نمود. پیامهای رسیده به همایش قرار زیر است:



جمعی از دانشجویان کمونیست، هواداران سازمان در لرستان، پرستاران پیشگام، جمعی از کمونیستهای آذربایجان - ایران، برخی از فعالان کارگری، جمعی از کارگران پالایشگاه بندر عباس و رفیق امید. متن کامل پیامهای رسیده به مراسم به گونه جداگانه در صفحات دیگر "نبرد خلق" در دسترس است. همچنین همایش با دسته گل‌های تقدیمی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، هواداران مجاهدین، کارورزان ماهنامه "نبرد خلق" و کارورزان "رادیو پیشگام" آذین شده بود. آقای قربانی، یکی از دوستداران سازمان، نیز با اهدای یک تابلوی نقاشی، جلوه زیبای دیگری به مراسم بخشید.

بخش پایانی برنامه به کارگاه هنر ایران اختصاص داشت. رفیق فریدون رضانی با همکاری رفیق آرزو با اجرای ترانه



سرودهای فراموش نشدنی، یاد و خاطره حماسه آفرینان جنبش پیشتاز فدایی را گرامی داشتند. با سرود جاودان انترناسیونال، همایش چهلمین و ششمین سالگرد حماسه سیاهکل به پایان رسید. قابل ذکر است که از تمامی این برنامه فیلمبرداری شده و در شبکه اینترنت در آدرسهای زیر قابل دسترسی است:

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



پایداری مادران شهدا و زندانیان سیاسی، یک تجربه مبارزاتی

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در همایش چهل ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

دوستان و رفقای عزیز درود بر شما

متأسفانه چند روز قبل مادر سماعی، مادر فدایی شهید محمد رحیم سماعی و خواهر فدایی شهید مهدی اسحاقی ما را ترک کرد.

این دو رفیق از حماسه آفرینان سیاهکل بودند. یادش گرامی باد

ما هر سال به مناسبت ۱۹ بهمن، از حماسه آفرینان سیاهکل، بنیانگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران یاد می‌کنیم و ضمن تاکید بر پیوندمان با رفقای شهید از گذشته به امروز می‌رسیم. ما بر آنیم که در پاسخ به شرایط مشخص امروز، دستاوردهای جنبش فدایی را پشتوانه و راهنمای خود قرار دهیم.

امسال می‌خواهیم راجع به جنبشهای موجود صحبت کنیم و من در مورد جنبش مادران، نقش آنها در جنبش ضد دیکتاتوری شاه، در هنگامه انقلاب ضد سلطتی و در جنبش ضد دیکتاتوری ولایت فقیه صحبت می‌کنم و به اهمیت این جنبش و دستاوردهای آن اشاره می‌کنم.

جوانانی که به مبارزه می‌پیوندند و گرفتار خشونت دیکتاتوری می‌شوند خود راهشان را انتخاب کرده‌اند و طبیعی است که خشونت‌های دشمن از جمله شکنجه، حبس و اعدام را پذیرا شده و تحمل کنند و گران بهاترین چیز یعنی هستی خود را فدا کنند. این یک انتخاب است.

اما در رژیمهای دیکتاتوری فقط فرد مبارز نیست که گرفتار این خشونت می‌شود، بلکه همه خانواده او، مادر، پدر، همسر، فرزندان و اعضای درجه اول خانواده دچار رنج، آزار و شکنجه می‌شوند. نمونه‌های بسیار از شکنجه خانواده‌های زندانیان در مقابل چشم زندانی تا کنون در هر دو رژیم وجود داشته است.

با دستگیری یک مبارز، فعالیت مادر او شروع می‌شود از این زندان به آن زندان، در سرما و گرما در پشت میله‌های زندان برای گرفتن خبری از فرزند گمشده و چه شانس بررگی اگر خبری از فرزند به دست آورد و برای چند لحظه به او ملاقات داده شود. از این نقطه گردهمائی مادران ابتدا در مقابل زندانها و سپس در خانه‌ها و در مواردی رفتن به صورت جمعی به ملاقات مقامات و یا افراد ذی نفوذ شروع می‌شود. چنین است که مساله مشترک، دردهای مشترک و همبستگی اولیه ایجاد می‌شود و به دنبال یافتن درمان مشترک، حرکت مبارزاتی و جنبش مادران شکل می‌گیرد.

جنبش مادران به خاطر عمیق ترین احساس مشترک، صادقانه ترین و بی‌ریاترین جنبش و همبستگی است و من در همین جا به همه مادران از مادران فدایی، مادران مجاهد و مادران کومله، دمکرات، پیکار و راه کارگر، مادران زندانیان عقیدتی مثل سنیها و بهاییها، مادران زندانیانی که در راه آزادی سر به دار شدند، درود می‌فرستم و ادای احترام می‌کنم.



بسیاری از مادران شهدا و زندانیان سیاسی در ۴۵ سال گذشته، امروزه در قید حیات نیستند و بدون رسیدن به آرزوی شان که همانا دادخواهی از خون فرزندان شان بود، ما را ترک کردند. من بخشی از رنجهای مادران در پشت میله های زندانهای غزل حصار و غزل قلعه و زندان قصر را در قبل از انقلاب دیدم. بی اطلاعی از فرزند، از این در به این در و پشت درهای بسته زندان خود حکایتی است. در دوره شاه کسانی که مدتها از فرزندشان خبر نداشتند به غزل قلعه می رفتند که وسط یک محوطه بیابانی بود. من چندین بار آنجا رفتم. خودمان را به سختی به آنجا می رساندیم. در تمام راه در اتوبوس برای رسیدن به آنجا سکوت بود. ما تنها نبودیم، مادران، همسران و خواهران دیگری هم بودند. صدای قلب

آنها را می شنیدم. رفتن با شوق دیدار بود اما برگشتن بسیار غم انگیز چون ملاقات نبود، خبری نبود و دوباره اشکهای مادر و غم فراوان دوری فرزند.

بسیاری از مادرانی که من دیدم متاسفانه ما را ترک کردند. اما هیچگاه، نگاه آنها، رنج و اشک آنها را نمی توانم از یاد برم. این خاطرات خود انگیزه ای قوی برای ما است که در برابر استبداد موجود تسلیم شرایط نشده و برای فراموش نشدن بخش مهمی از تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری سکوت نکنیم.

به افتخار مادران، داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد که عکسهای تعدادی از آنها در این جا است و متاسفانه عکس همه آنها را نداریم دست بزنیم.

فکر می کنم هیچ کس احساس مادری که فرزندش را در برابر چشمانش دستگیر می کنند، آخرین نگاههای مادر به فرزندش، شبهایی که در انتظار فرزند به صبح می رساند، اشکهای مادر قبل از اعدام فرزندش و تا خودش آن لحظه ها را زندگی نکرده باشد نمی تواند درک کند.

من برای بیان احساس این مادران از گفته یکی از مادران یاری می گیرم.

اخیرا کتاب خاطرات مادر توکلی ها (خانم ربابه کلباسی) در ۹۰ سالگی اش منتشر شده است. مادر توکلی، مادر رفقا حمید توکلی که در ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ اعدام شد و سیمین توکلی است که در یک درگیری خیابانی در روز دهم تیر ماه سال ۱۳۵۵ شهید شد. رفیق سعید آریان داماد وی در همان سال ۱۳۵۰ اعدام شد. وی در یادداشت روزانه اش در آن روز نوشت: «روز ۱۱ اسفند ۵۰ سعید و حمید عزیز مرا با دوستان شان به جوخه اعدام سپردند. ای آسمان خون بیار و ای زمین بلرز، چه عزیزی را در قلب سرد خود جا دادی.....»

شکل گیری جنبش مادران

جنبش مادران جنبشی مدنی، یک جنبش دادخواهانه علیه فراموشی، عدالتخواهانه و حقوق بشری است. این جنبش در کشورهای دیکتاتوری ویژه گیهای مشترک دارد و حتا تاکتیکهای مشترکی هم دارد.

قبل از پرداختن به جنبش مادران در ایران اشاره ای کوتاهی می کنم به جنبش مادران در آرژانتین که این جنبش مرزها را در نوردید و جهانی شد.

در آرژانتین در سال ۱۹۷۶، یک دولت نظامی به قدرت رسید که این دولت تمام فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و کارگری را ممنوع اعلام کرد. در این دوره هزاران نفر دستگیر، شکنجه و اعدام شدند و بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳، ۳۰ هزار نفر مفقود شدند.

جنبش مادران از بهار سال ۱۹۷۷، ابتدا با ۱۴ نفر شکل گرفت و در پایان همان سال به ۱۵۰ نفر رسید. این جنبش از میدان دو مایو که محل کاخ ریاست جمهوری و ساختمانهای دولتی بود آغاز شد و در تداوم آن به جنبش مادران میدان مایو در سطح جهان شناخته شد.

جنبش اعتراضی مادران آرژانتین برای رسیدن آرژانتین به دموکراسی نقش به سزایی داشت و دارد. این جنبش سرانجام دولت وقت را مجبور کرد که قوانین مربوط به مصونیت نظامیان را لغو و به گشودن پرونده قتلهای مخالفان در دوره حکومت نظامیان یا دوره جنگ کثیف تن دهد.

دستاوردهای جنبش مادران پلازا دو مایو، برای همه جنبشهای اجتماعی و حقوق بشری آموزنده است. اکنون این مادران به عنوان یک گروه فعال حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و صاحب دفتری در شهر بوئنوس آیرس هستند. اقدامات این مادران همچنان ادامه دارد و خواسته های شان به خواسته های بالاتری تبدیل شده است. به عنوان مثال، مادران پلازا دو مایو روز آدینه ۲۶ اگوست سال ۲۰۱۶ در بوینس آیرس پایتخت آرژانتین، دست به یک راهپیمایی ۲۴ ساعته زدند. اسم راهپیمایی شان را مقاومت گذاشتند. خواست این مادران به رسمیت شناخته شدن قتل عام فرزندان شان به عنوان جنایت ضد بشری و محاکمه آمران و عاملان قاتلان فرزندان شان است.

در اینجا چند خط از سروده گروه یوتو، از گروههای معروف راک برای مادران آرژانتین را برایتان می خوانم. این سروده درد مادران آرژانتین را بیان می کند:

نیمه شب دختران و پسران مان را چو شاخه ای از برمان کردند، صدای طپش قلب شان را می شنویم، صدای قلب شان را می شنویم، صدای خنده شان را در باد و اشک شان را در باران می بینیم. (عکس مادران پلازا)

حالا می پردازیم به جنبش مادران در ایران

فعالیتهای مادران را می توان به چند دوره تقسیم کنیم

فعالیت مادران از دهه ۴۰ تا ۵۰، از ۵۰ تا انقلاب،

دوران شدت گیری خشونت های ساواک و اعدامها،

دوران سرنگونی سلطنت پهلوی و شکل گیری دیکتاتوری ولایت فقیه،

سرکوب و اعدامهای سال ۶۰ و ۶۷، شکل گیری جنبش مادران خاوران،

سرکوب قیامهای خیابانی سال ۸۸ و شکل گیری مادران پارک لاله، مادران شهدای قیام و شکل گیری جمعهای مادرانه

در دوران دیکتاتوری شاه، نطفه های تشکیلات مادران در پشت میله های زندان شکل گرفت. درد مشترک (زندانی بودن فرزندان شان) و خواست مشترک (آزادی آنها) آنها را به هم نزدیک کرد. گردهمائیهای مادران به مناسبت های مختلف، مثلا جمع شدن در خانه مادری که سالگرد شهادت فرزندش بود، گاهگاهی برگزار می شد. در این مراسم شعر و سرود خوانده می شد. این جمعها به دور از چشم ساواک انجام می شد. اگر ساواک می فهمید یورش می برد و دستگیر می کرد.

من در یکی از جمعها حضور داشتم. در خانه مادر زنده یاد پرویز حکمت جو. تعدادی زیادی از مادران جمع بودند که ساواک حمله کرد و با چندین اتوبوس مادران را بازداشت کرد. به همه گفتند چادر بر سر کنند. همه را به کمیته شهربانی برای بازجویی بردند. صحنه های دستگیری، بازجویی و توهین به مادران فراموش نشدنی است.

اما علیرغم این فشارها گردهمائیهای مادران همچنان ادامه داشت. نکته مهم دیگر این که تجمع مادران همگانی بود؛ مادران فدایی، مجاهد با هم بودند. بعد از شکل گیری گروههای سیاسی دیگر در سالهای پایانی حکومت پهلوی، بازهم مادران با هم بودند و در دوره خفقان سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مادران و همسران زندانی یکی از کانالهای ارتباط زندانی با بیرون و رساندن خبر بودند.

به عنوان نمونه یکی از حرکت‌های مادران قبل از تحصن شکوهمند سال ۵۷، شامل گردهمائیهای در بازار برای جلوگیری از اعدام فرزندان شان بود.

ویژگی جنبش مادران در سالهای خفقان و اعدام‌های گسترده، خبررسانی وضعیت زندانها به خارج از ایران و به نهادهای مدافع حقوق بشر و به ویژه به کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج بود. در آن سالها، کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور، نقش مهمی در اطلاع رسانی از وضع زندانیان در ایران داشت. این تشکیلات پر قدرت در جلب محافل حقوق بشری در خارج و ترتیب دادن تظاهرات اعتراضی گسترده همزمان با مسافرت شاه به کشورهای اروپایی و آمریکا، نقش اصلی داشت.

در آستانه انقلاب

با روی کار آمدن جیمی کارتر و فشار به شاه برای توجه به حقوق بشر، در ۹ اردیبهشت سال ۱۳۵۶، مادران در برابر اداره دادرسی ارتش در خیابان کوروش کبیر جمع شدند و خواستار آزادی فرزندان شان شدند. به ویژه خواستار آزادی فرزندان شان که حکم محکومیت شان تمام شده بود و اضافه بر میزان محکومیت در زندان نگهداشته می شدند و به اصطلاح آن روز ملی کشی می کردند، شدند.

سرانجام شاه به دیدار نمایندگان صلیب سرخ از زندانها تن داد و در این هنگام بود که تعدادی از ملی کشها آزاد شدند. مادران در این دوره گامی بلند تر برداشتند و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی شدند.

زندانیان سیاسی مرد در زندان قصر از ۲۰ اسفند سال ۱۳۵۶ دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب به زندان زنان و دیگر زندانهای سیاسی در شهرهای دیگر کشیده شد. خبر اعتصاب زندانیان توسط مادران به نهادهای حقوق بشری بین المللی و رسانه های خارج از ایران فرستاده شد. مادران در مقابل دانشگاه تهران، زندان قصر و کاخ دادگستری، دست به گردهمایی و تظاهرات زدند. حمایت دانشجویان را جلب کردند. شعار «زندان سیاسی آزاد باید گردد» ابتدا از جانب دانشجویان و سپس به یک شعار همگانی تبدیل شد.

در آبان سال ۱۳۵۷، تعدادی از زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند. در این هنگام مادران خواستار آزادی بی قید و شرط و بدون مناسبتی برای زندانیان شدند.

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مردمی علیه رژیم شاه، فعالیت مادران گسترش یافت. در فاصله آبان ۱۳۵۷ تا ۲۶ دی همان سال یعنی زمان رفتن شاه از ایران، چندین گروه دیگر از زندانیان سیاسی آزاد شدند. با خروج شاه و نخست وزیری شاهپور بختیار، حرکت مادران برای آزادی همه زندانیان سیاسی شکل مشخص و همگانی گرفت.

تحصن مادران و خانواده های زندانیان سیاسی در دی ماه ۱۳۵۷ در محل کانون وکلا در کاخ دادگستری یکی از حرکت‌های مهم و به یادماندنی در تاریخ جنبش عدالتخواهی مادران و به ویژه جنبش ضد دیکتاتوری به شمار می رود. تحصن مادران قبل از رفتن شاه و در شرایطی که در دولت از هاری همچنان حکومت نظامی برقرار بود شکل گرفت. مادران بعد از بی نتیجه بودن ملاقات شان با وزیر دادگستری قطعنامه ای به شرح زیر منتشر کردند:

۱ - آزادی جمعی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط همراه با اعاده‌ی حیثیت. ۲) آزادی زندانیان قدیمی سیاسی و نیز آنها که بعد از سالهای ۴۸ به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند ۳) همه زندانیان، سیاسی هستند و واژه‌ی ضد امنیتی جعل رژیم است ۴) خانواده‌های زندانیان سیاسی از طرف زندانیان موکدا خواهان این هستند که به هیچ وجه در روزهای به خصوص، آزادی زندانیان سیاسی صورت نگیرد؛ چرا که این زندانیان سیاسی هستند که باید عفو کنند... ۵) بسیاری از زندانیان سیاسی در حین بازجویی و شکنجه و حتا هنگام دستگیری بر اثر گلوله، جراحات سخت برداشته و به بیماریهای حاد مبتلا شده‌اند... لذا مسببان باید در یک دادگاه ملی مجازات شوند."

در رابطه با اهمیت حرکت مادران به گزارش روزنامه‌های آن زمان اشاره می‌کنم
روزنامه آیندگان ۲۰ دی ۱۳۵۷ در رابطه با تحسن مادران و خانواده‌های زندانیان سیاسی نوشت: «خانواده‌های زندانیان سیاسی اعلام کردند که تا رهایی خویشان خود از بند، در کاخ دادگستری متحصن خواهند شد... بی اعتمادی ناشی از قول و قرارهای بی اساس وزیر سابق دادگستری و نامطمئن بودن پایگاه وزیر فعلی دادگستری، خانواده‌ها را در این نگرانی فرو برده است که مبدا تاخیری دیگر برای آزادی این زندانیان صورت گیرد. در این حال، دکتر یحیی صادقی وزیر در یک تماس تلفنی با متحصنان در کاخ دادگستری به آنها قول داد که تا پنجشنبه یعنی پس از اخذ رای اعتماد از مجلس نسبت به آزادی زندانیان سیاسی اقدام خواهد کرد... با این حال متحصنان کاخ دادگستری با ترتیب چند کمیته برای تدارک مقدمات یک تحسن نامحدود، نشان داده‌اند که به هیچ وجه از خواست خود دست بر نخواهند داشت...»

آقای صادق وزیر جدید دادگستری دوران بختیار در نتیجه پیگیری خانواده‌های زندانیان، روز پنجشنبه ۲۱ دی، لایحه‌ی آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران را تقدیم مجلس وقت کرد و قول داد که تا ۲۳ دی همه‌ی زندانیان سیاسی آزاد شوند. اما خانواده‌ها به تحسن خود ادامه دادند. در روز شنبه ۲۳ دی تعدادی از زندانیان، که من هم یکی از آنها بودم، آزاد شدند.

هنگام آزادی زندانیان سیاسی بسیاری از مردم و خانواده‌ها در بیرون از زندان منتظر بازگشایی در زندان بودند. شعار فدایی، مجاهد و زندانی سیاسی آزاد باید گردد یکی از شعارهای رایج در مقابل زندان قصر بود. در آن روز تعدادی از محکومان به حبس ابد آزاد شدند. مردم زیادی برای استقبال از زندانیان سیاسی در محوطه جلوی زندان قصر جمع شده بودند.

تعدادی از تصویر آزادی زندانیان و به آغوش کشیدن آنها توسط مردم در مطبوعات وقت به چاپ رسید. یاد مادر شادمانی که یکی از آزاد شدگان در آن روز باد گرامی باد.

اما هنوز تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان مانده بودند که خانواده‌ها به تحسن خود ادامه دادند..
در روز ۲۴ دی خانواده‌ها قطعنامه‌ای منتشر کردند که این قطعنامه در روز ۲۶ دی در روزنامه اطلاعات چاپ شد. متن قطعنامه چنین است: «ما خانواده‌های زندانیان سیاسی از تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۷ در کانون وکلای دادگستری برای آزادی فرزندان مان که برای همه شما ملت مبارز ثابت شده، فرزندان راستین این آب و خاک بوده و تنها علت محکومیت آنها سیاسی بودن اتهام شان می باشد و در زیر سخت ترین شکنجه های غیر انسانی پشت تمکین به جنایتکاران فرود نیاورده اند و به مبارزه ی خود ادامه دادند، تا آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی متحصن می شویم و از تمام خانمها و آقایان که در این روز یعنی یکشنبه ۲۴ دی ماه به عنوان همدردی با ما خانواده‌های زندانیان سیاسی، در کاخ دادگستری جمع شده اند و همچنین از کلیه کسانی که در این تحسن ما را یاری می نمایند، سپاسگزاریم. پیروز باد مبارزه بی‌امان ملت قهرمان ایران تا رسیدن به پیروزی نهایی.»

روز ۲۶ دی ماه شاه از ایران رفت. تحصن خانواده ادامه پیدا کرد و سرانجام در آخرین ساعات روز ۳۰ دی آخرین دسته از زندانی سیاسی در یک شب پرشکوه و فراموش نشدنی آزاد شدند.

آزادی زندانیان سیاسی یک دستاورد مهم جنبش ضد دیکتاتوری علیه شاه و نیز جنبش مادران و خانواده های زندانیان سیاسی و وکلای برجسته و مردمی بود. و چنین بود که مادران سکوت خفقان بار رژیم پهلوی را شکستند و عدالتخواهی فرزندان شان را به پرچمی برای مبارزه خود تبدیل کردند

شاملوی عزیز که نام اش همیشه ماندگار است در مورد فرزندان این مادران چنین سرود: «در گورستان تاریک با تو خوانده



ام زیباترین سرودها را / زیرا که مردگان این سال عاشق ترین زندگان بودند/

رژیم جمهوری اسلامی و مادران خاوران

متأسفانه بهار آزادی و شادمانی مادرانه خیلی کوتاه بود و سرکوب بنیادگرایان اسلامی شروع شد. این بار داغ و درفش کسانی که خود را نماینده خدا در روی زمین اعلام کردند، وحشیانه تر و خشن تر شروع شد. در این سرکوبیها زندانیان سیاسی دوران دیکتاتوری شاه هم در امان نماندند و باز به زندان افتادند. عده ای که از چوبه های دار رژیم شاه جان سالم به در برده بودند گرفتار چوبه های دار جمهوری اسلامی شدند.

مادران خستگی شان را هنوز از تن به در نکرده بودند که فعالیت شان شروع شد. گورستان جمعی، قبرهای جمعی کشتار دهه ۶۰، قتل عام سال ۶۷، گورستان خاوران همه اینها تبدیل به واقعیت شدند. ناپدید شدگان، قبرهای بی نام و نشان و... این خبرها گوش به گوش، دهان به دهان منتقل شد و در خاوران واقعیت پیدا کرد.

در سالهای دهه ۶۰ مادرانی در زندان بودند که فرزندان خردسال آنها در کنارشان زندانی بود. همچنین مادرانی در زندان بودند و یا هستند که فرزندان خردسال شان بدون آنها بزرگ می شوند. به نظر رنج آنها بسیار سهمگین و مقاومت آنها در



برابر استبداد بسیار با ارزش و ستودنی است.

داستان این مادران و این کودکان خود هزاران شعر، داستان، فیلم و گزارش است که آن سالهای وحشت زیر حکومت خمینی را به ثبت خواهد رساند.

در زمانی که

گالیندوپول و موریس کاپیتورن به عنوان گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل به ایران مسافرت کردند، تعدادی از مادران خاوران تلاش کردند مدارک مبنی بر اعدام جمعی فرزندان شان را در اختیار این گزارشگران بگذارند. اما رژیم مانع آنها شد و نگذاشت تماسی برقرار شود.

در تیرماه سال ۶۶، در اعتصاب زندانیان سیاسی گوهر دشت کرج، مادران به یک سری از مقامهای دولتی مراجعه کردند. در شهریور سال ۶۶، حدود ۳۰۰ تن از مادران و خانواده های زندانیان سیاسی تلاش کردند تا به دیدار گزارشگر ویژه ی حقوق بشر ملل متحد بروند. اما باز ماموران اطلاعات مانع این کار شدند و تعدادی را دستگیر کردند.

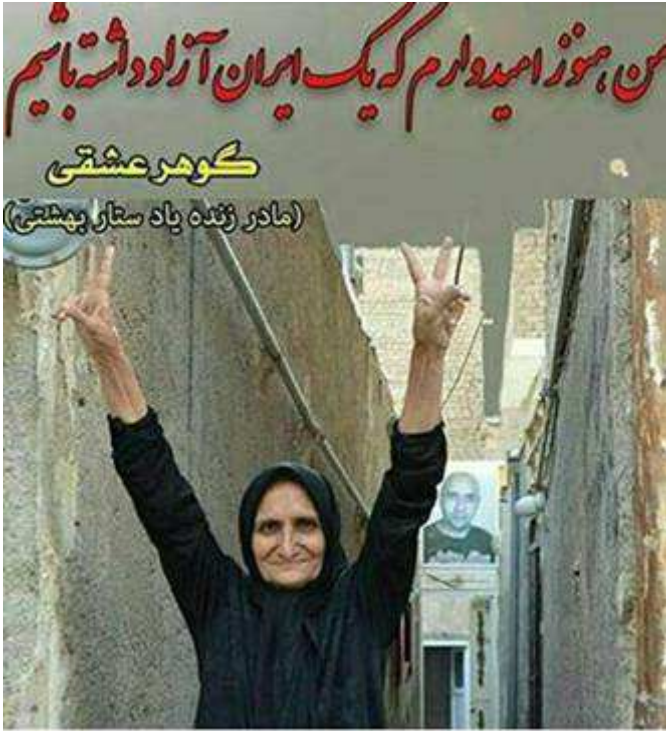
در فروردین ماه سال ۶۷، ۸۰ تن از خانواده های زندانیان سیاسی به کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نامه نوشتند. خانواده ها در قطع ملاقات زندانیان و بی خبری کامل از آنان، به دفتر خمینی، منتظری و مرعشی نجفی رفتند و فقط آقای منتظری بود که پیگیری اعدامها شد.

قتل عام زندانیان سیاسی خشم و نفرت مادران را صد چندان کرد و صدای دادخواهی آنان را به گوش جهانیان رساند. گورستان خاوران به گلزار خاوران تبدیل شد. این گلزار محل گردهمآیهای مادران شد. علیرغم همه سرکوبگریها و دستگیریها، مادران گلزار خاوران را به عنوان سند جنایت زنده نگاه داشتند. خاوران تبدیل به میعادگاه عاشقان آزادی شد. تعدادی از مادران خاوران مانند مادر پنجه شاهی، مادر بهکیش و مادر پرتوی از مادران فعال بودند که بدون دیدن دادخواهی فرزندان شان چشم از این جهان فروبستند. یادشان جاودانه باد و آرزوی طول عمر دارم برای مادرانی همچون مادر لطفی که در قید حیات هستند.

مادران پارک لاله

شکل گیری جنبش مادران پارک لاله به سرکوبی خیزشهای مردمی سال ۱۳۸۸ بر می گردد. شهادت ندا آقا سلطان با شلیک گلوله ماموران و زیر گرفتن چند نفر از جوانان و کشتار در شکنجه گاه کهریزک و ...خشم عمومی را برانگیخت.

مادرانی که فرزندانشان در اعتراضهای خیابانی سال ۸۸، مفقود، اعدام و زندانی شده بودند دست به اعتراض زدند. روز شنبه ۱۹ دی ۱۳۸۸، ۳۰ نفر از مادران در پارک لاله گردهم آمدند. ماموران رژیم این مادران را دستگیر کرد و امکان هیچ گونه حرکتی به آنها ندادند.



مادران پارک لاله طی بیانیه ای از مقامات رژیم خواستند که به خواسته های آنان توجه شود و «کلیه زندانیان عقیدتی را آزاد و آمران و عاملان کشتارهای مردم بیگناه و بی دفاع را در دادگاهی عادلانه و علنی محاکمه» کنند. مادران پارک لاله تصمیم گرفتند شنبه ها ساعت ۷ بعد از ظهر در پارکهای شهر دست به تجمع زنده مدتی هم این کار را کردند و رژیم آنها را اذیت و تعدادی را دستگیر کرد. فعالان حقوق بشری که از این مادران حمایت کرده و به جمع آنها وارد می شدند دستگیر و به حبس محکوم شدند.

مادران پارک لاله خواسته هایشان را چنین فرموله کردند.

آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی،

لغو مجازات اعدام،

محاکمه و مجازات آمران و عاملان همه جنایت‌های صورت گرفته در جمهوری اسلامی.

مادران پارک لاله در بیانیه خود به مناسبت ششمین سالگرد موجودیت خود در ۱۶ تیر ۹۴ به نکته مهم و جالبی پرداختند. در این بیانیه آمده است:

«باشد تا با ادامه ی این مبارزات حق طلبانه و پایداری و پیوستگی هر چه بیشتر، بتوانیم به جای گفتمان مدارا با حکومت، گفتمان دادخواهی و عدالت‌جویی را در جامعه عمق و گسترش دهیم و حق و حقوق پایمال شده ی خود را از ستم گران باز ستانیم.»

در امتداد مبارزه دادخواهانه مادران، شاهد رشادت و تلاش مادر گوهر عشقی هستیم که فرزندش، ستار بهشتی؛ کارگر و بلاک نویس که طی چند روز در زیر شکنجه به شهادت رسید. شکنجه گران خواستند مرگ او را طبیعی جلوه دهند و مادر زحمتکش او را خاموش کنند. اما مادر ستار، همچون خود ستار از آن روز تبدیل به سمبل و نمادی از مادران که در جستجوی حقیقت هستند شد. مادر گوهر عشقی همراه با عکس ستار، از هر امکانی برای دادخواهی استفاده کرده است. از ملاقات با کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در اسفند ۱۳۹۲ تا نامه نگاری به نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر.

جمع مادرانه

در شرایط کنونی گروهی از مادران که همبستگی شان بر اساس درد مشترک است، برای جمع کردن مادران اعدام شدگان در شهرهای مختلف ایران تلاش می کنند. این جمع که مخالف حکم اعدام است، تلاشهای زیادی برای آزادی زندانیان سیاسی و یا جلوگیری از اعدام زندانیان می کنند.

جمع مادرانه، بعد از اعدام ظالمانه زنده یاد ریحانه جباری شکل گرفت.

صحبتهای خانم شعله پاکروان در سالگرد اعدام فرزندش، بر سر مزار او بسیار صریح و روشن است. وی خطاب به کسانی که فرزندش را اعدام کردند فریاد می زند: «چه کنم که این آتش از دلم برود، به من بگویید من شب چطور می بخوابم...»

وی لحظه های مادر یک اعدامی را چنین به تصویر می کشد: «از همه کائنات فقط یک چیز می خواهی و آن این که عزیز



تو به خانه ات برگردد. زنده و آزاد. می خوابی. غرق در خواب نیروبخش، دست و پایت می پرد. کابوس می بینی. صدای فریاد عزیزت را می شنوی که تو را صدا می کند.»

خانم شعله پاکروان از فعالان این جمع، می گوید: «از دست دادن فرزند برای هشتاد و هشتی ها به یک نوع، برای دهه شصتی ها به نوعی دیگر و ریحانه هم در نوع خودش، باعث شده بود همه ما به نوعی مشکلاتی از جمله کابوسهای شبانه داشته باشیم... سر خاک مصطفی تصمیم گرفتیم که اولین نشست خودمان را برگزار کنیم.»

شعله پاکروان نکته مشترک جمع مادرانه و چرایی مبارزه آنان را چنین تعریف می کند: «همه ما که فرزند خود را از دست داده بودیم به "دادخواهی" به عنوان یک اصل نگاه می کردیم. ممکن است که مردم، قوه قضائیه، دولت یا نهادهای بین المللی فرزندان ما را فراموش کرده باشند، اما ما که در خانه هایمان جای خالی فرزندانمان را می بینیم که نمی توانیم چیزی را فراموش کنیم. عدالتی که جاری نشد شاید از یاد همه برود، اما ما همچنان دنبال آن عدالت می گردیم.»

شهین مهین فر مادر شهید امیر ارشد تاجمیر این درد و رنج مشترک را چنین توصیف می کند: «با چشمهای بسته نشسته ام و بر سینه می کوبم، برای لالاییهای ناتمام، برای آرزوهای بر باد رفته، برای بدنهای لهیده و خونین بر گورهایی که پر شده با جانهای جوان. زیر لب آواز می خوانم، آواز غم، آواز کوبیدن قلب به دیواره سینه، آوازی که نشان از جگر خونینم دارد...»



شهناز اکملی مادر شهید مصطفی کریم بیگی در روز سه شنبه ۱۳ آبان ۹۳ (عاشورای سال ۹۳) احساس مادرانه اش را چنین بیان می کند: «عاشورا ظهر: الو مامان کجایی؟ اینجا قیامته. الو مامان. باشه نگران نباش. مواظبم. الو مامان.

من پشت تلفن بیقرار.

عاشورا عصر: مشترک مورد نظر خاموش است. عاشورا شب: مشترک مورد نظر خاموش است. و من، بیقرار، تمام خیابان شهر را چهارده روز، و جب به و جب گشتم تا ثابت کنم مشترک مورد نظر من خاموش نبود و نیست و نخواهد شد. من مادرش هستم و صدای او، مشترک من، پسر من، خاموش نیست.

پنج سال بعد ۸۸، من هم چنان زنده ام و صدای پسر، این صدا نمی میرد، خاموش نمی شود و من تمرین می کنم مقابل ظلم ایستادن را از پسر مصطفی.»



و در پایان

جنبش مادران جنبشی دادخواهانه و عدالتخواهانه، علیه هر نوع استبداد و دیکتاتوری است. خواسته های این جنبش نیز حق طلبانه است و ما از آن حمایت می کنیم.

این جنبش همچون جنبش اعتراضی کارگران مزدبگیران معلمان پرستاران دانشجویان و مقاومت زندانیان سیاسی بخشی از جنبش علیه استبداد و ستم رژیم حاکم بر ایران است.

جنبش دادخواهی مادران خواستار آن است که اسامی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی که به قتل رسیده اند، تاریخ اعدام آنها و محل مزار آنها مشخص شود.

جنبش دادخواهی مادران خواستار آن است که آمران و عاملان کشتار زندانیان سیاسی معرفی و در یک دادگاه به شکل عادلانه و بر اساس موازین شناخته شده حقوق بشر محاکمه شوند.

ما هم با تمام توانمان از این جنبش مادران حمایت خواهیم کرد
با سپاس از توجهتان

همبستگی با جنبشهای اعتراضی نیروهای کار دفاع از مقاومت زندانیان سیاسی

سخنرانی لیلا جدیدی در همایش چهل و ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل (توضیح نبرد خلق: این سخنرانی از گفتار به نوشتار برگردانده شده)

سلام و درود به شما دوستان، یاران و رفقای عزیز که امشب در کنار ما هستید و با هم چهل و ششمین سالگشت حماسه و رستاخیز سیاهکل را گرامی می‌داریم. بسیار خوش آمدید و خوشحالم از دیدنتان. همینجا از برگزار کنندگان این مراسم نیز تشکر می‌کنم که از من دعوت کردند تا سخنی با شما داشته باشم و سپس از رفیق زینت میرهاشمی که بخش مهمی از جنبش جاری، جنبش دادخواهی مادران در ایران، را مطرح کردند. امید که شب خوبی را که مناسب گرامیداشت این روز تاریخی است، داشته باشید.

جنبش سیاهکل بدون شک بخشی از تاریخ مبارزات مردم ایران است. رستاخیز سیاهکل هم به لحاظ پاسخی که به شرایط خاص روز خود داد و هم به خاطر انگیزه و رهنمود انقلابی که دارد، همواره زنده می‌ماند. حتما حرف جدید و خارق‌العاده‌ای نکرده‌ام اگر بگویم برای رسیدن به هدفی انقلابی و انسانی، اولین گامها با شناخت و آگاهی و سپس انگیزه مبارزاتی برداشته می‌شود و با تداوم، پایداری و فداکاری پیموده می‌شود. و این راهی است که رفقای فدایی رفتند و سرانجام به انقلاب ضد دیکتاتوری انجامید.

امروز با تجربه و درس آموزی وظیفه داریم آن مشعل فروزان را به دوش بکشیم. اما با شرایط کاملا متفاوتی روبرو هستیم. فکر نمی‌کنم برای صحبت امروز نیاز به شرح پیچیده و دردناک آن باشد، اگرچه همگی از آن باخبریم.

از قیام ضد دیکتاتوری مردم ایران ۳۸ سال می‌گذرد. ما کجاییم و رژیم کجا قرار دارد؟ راه دشواری در برابر حکومتی که در خشونت و جنایت و تجاوز به حقوق مردم یکی از پر سابقه‌ترین رژیمهای تاریخ بشریت است، پیموده شده. من فکر می‌کنم و حتما شما هم موافق هستید که این گامها از نخستین روزهای پس از قیام برداشته شده و با همه کاستیها و نقاط قوت ادامه داشته است. به راستی که چه جانهای عزیزی قربانی حکومتی که با ظلم و ستم و سرکوب بر صندلی قدرت تکیه زده، شده‌اند. درود بر آن جانهای شیفته عدالت و آزادی، درود بر هزاران نفر که مقاومت کردند و جان گرامی شان را برای آینده بشریت، برای انسانیت و برای ما و فرزندان ما فدا کردند.

بارها شنیده ایم که گله می‌شود چرا مردم ایران سکوت کرده‌اند؟ چرا علیه این رژیم ستمگر قیام نمی‌کنند و یا بعکس، [گفته می‌شود] "جمهوری اسلامی سخت تر و قدرتمند تر از آن است که بشود سرنگونش کرد"، "اینها از جایشان تکان نمی‌خورند". یک خانمی که تازه از ایران آمده بود به من می‌گفت: "این بی‌شرفها به این آسانی دست از قدرت نمی‌کشند. ما که امیدی نداریم." پدر بزرگ من وقتی از تظاهرات علیه بسته شدن روزنامه آیندگان به خانه برگشتم و جای سیلی سختی که یک حزب الهی به صورتم زده بود سرخ شده و ورم کرده بود، به من گفت: "بیخود زحمت نکش دختر جان. اینها ۳۰ سال دیگه هم سر کار خواهند بود."

همه این حرفها درست. طرف ما هم نه از شرافت بویی برده و نه از انسانیت، به آسانی هم از جایش تکان نمی‌خورد و بیش از ۳۰ سال حکومت کرده. اما در فرصتی که امشب به من دادید، می‌خواهم ادعایی را مطرح کنم، از آن به طور مستند دفاع کنم و به یک "چه باید کرد" پاسخ بدهم.

امروز ما می‌توانیم با افتخار اعلام کنیم جنبش و مقاومتی سرسخت، با تداوم و رو به رشدی در مقابل این رژیم ایستاده و خواب را از چشمانش ربوده. همه خشونتها، سرکوب، اعدام و زندانها نشانه واکنش عاجزانه رژیم در مقابل این جنبش است.



این جنبش از همان آغاز که خمینی با دروغ و فریب سوار بر موج انقلاب شد، برای چسبیدن به قدرت، مخالفان خود را از طریق دسته های مزدور در کوچه و خیابان آزار می داد و ضرب و شتم می کرد. آزار و اذیت و بازداشت رفقای فدایی که معترض به روندی که خمینی و دارو دسته اش پیش می برند بودند، از ۳۰ خرداد ۶۰ و گشودن آتش بر تجمع مسالمت آمیز مجاهدین خلق تا قتل جنایتکارانه رفیق سعید سلطانیپور، از اعدام هزاران گل سرخ انقلاب، سرکوب مردم کرد و و همه اینها نشانه خون گرم مبارزه در رگهای جامعه و هراس و

وحشت رژیم از به قعر کشیدن شدن در تلاطم طوفان اعتراضات جامعه بود. مردم برای دمکراسی، تمدن، پیشرفت و رفاه انقلاب کرده بودند، اما خمینی می خواست دنده عقب به صدها سال پیش بزند.

بله ۳۸ سال از انقلاب ضد دیکتاتوری می گذرد. تحت اختناق و سرکوب شدید امروز جامعه ما، گروهها و سازمانهای کوچک و بزرگ، اتحادیه ها و کمیته هایی در خارج و داخل پیوسته یا جدا از هم به هر شکل و شمایل اعتراض و مبارزه می کنند. اعتراضات نیروهای کار، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، فعالان مدنی و مدافعان حقوق کودک و زنان و مادران و کاربران شبکه های اجتماعی...

رژیم اکنون علاوه بر تضادهای جهانی، اقتصادی، درونی و غیره، با عمده ترین تضاد که تضاد آشتی ناپذیر بین خود و مردم است نیز روبروست و نتوانسته بر آن مسلط شود و ما اگر قیامهای گسترده ای در خیابان نمی بینیم، اما ابعاد اعتراضات عمیق تر شده و به شکاف درون رژیم افزوده. به طوری که علاوه بر خیزشها و قیامها در شهرهای بزرگ، صدها حرکت اعتراضی در سراسر ایران وجود داشته. طی ۳۵ ماه گذشته حدود ۷۰۰ حرکت بزرگ و کوچک اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران صورت گرفته که دبیرخانه سازمان هر سال در آستانه اول ماه مه آمار آن را منتشر کرده است.

رژیم با شتاب معترضان را دستگیر و بازداشت می کند و محکومیتهای طولانی می دهد و برای محدود کردن رابطه آنها با بیرون، آنها را "امنیتی" می خواند.

در پاییز سال ۹۵، علی اصغر جهانگیر، ریس سازمان زندانها، گفت: "ما زندانی سیاسی نداریم و اینها زندانی امنیتی هستند و برای نگهداری شان با سایر زندانیان تفاوتی قایل نیستیم."

با همه این تلاشها در جهت مسکوت گذاشتن و ایزوله کردن زندانیان سیاسی، می بینیم که اکنون زندانهای سیاسی به کانونهای مبارزاتی تبدیل شده اند. امشب می خواهیم ببینیم این زندانیان سیاسی چه کسانی هستند؟ آیا در کره مرخی زندگی می کنند یا از میان جامعه سراسر ایران زمین هستند؛ زندانهای دیزل آباد کرمانشاه، زندان سنندج، اهواز ارومیه، رجایی شهر کرج، زندان تبریز، اوین، زندان مرکزی خوی، مهاباد، شهرضای اصفهان، زندان مرکزی طبس ووو سراسر مرز جغرافیایی ایران.

آیا زندانیان سیاسی و مقاومت سرسختانه آنها نماد یک جامعه زنده و انقلابی هست یا نیست؟ می خواهیم بررسی کنیم، در میان بگذاریم، بیاندیشیم، براین بخش از جنبش تمرکز کنیم و بعد ببینیم وظایف ما در درون و بیرون از مرزهای ایران چیست و چگونه می توانیم و از چه راه هایی باید به آن بپیوندیم و مردم ایران را درگیر و مداخله گر در آن کنیم. مبارزه چگونه گسترش می یابد و برای گسترش آن در جامعه چگونه می توانیم سازماندهی کنیم؟

زندانیان سیاسی چه کسانی هستند؟

در یک بررسی مختصر ببینیم زندانیان سیاسی چه کسانی هستند؟

پیش از آن یک نکته را متذکر شوم. ما در این بخش همانطور که می دانید بر همبستگی با جنبشهای اعتراضی، دفاع و گرامی داشتن مقاومت زندانیان سیاسی تمرکز داریم و متاسفانه وقتی نیست که یادی از یکایک آنها نکنم. اما بی شک این مثنوی هفتاد من کاغذ در تاریخ مبارزاتی مردم ایران ثبت خواهد شد.



زندانیان سیاسی
چه کسانی
هستند

برای شروع: "در
ایران ما روزنامه
نگار زندانی
نداریم"

البته این را من
نمی گویم،
حسن روحانی
در جریـان
سفرش به

نیویورک به خبر نگار سی ان ان خانم کریستین امانپور گفت.

سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارش سالیانه خود در سال ۲۰۱۵، ایران را سومین زندان بزرگ جهان برای روزنامه نگاران اعلام کرده است، بعد از چین و مصر. البته در این مسابقه کسب مقام، ایران از اریتره سبقت گرفت. دهها روزنامه نگار در ایران زندانی هستند. غیر از جیسون رضاییان، خبرنگار بازرگانی واشنگتن پست که با یک هواپیما پول نقد از سوی "استکبار جهانی" آزاد شد، بقیه بر اساس گزارشها وضعیت مساعدی ندارند. با اتهامات "جاسوسی" و "وابستگی به شبکه های خارجی" محبوس شده و یا هستند. فکر می کنم ایشان اگر با کلیدش دهانش را قفل می کرد، سنگین تر بود. نمونه های از روزنامه نگاران زندانی:

- یاشار سلطانی، سردبیر سایت معماری نیوز، که گزارش واگذاری ۲۲۰۰ میلیارد تومانی تخلفات مالی شهرداری تهران را منتشر کرد

- فواد صادقی: تا به حال دلیلی برای بازداشت او ارایه نشده

- آفرین چیت ساز: به گفته مادرش در بازجویی کتکش زدند و تهدید شده در باره شکنجه دخترش حرفی نزنند.

- عیسی سحر خیز که روی تخت بیمارستان دست به اعتصاب غذا زد، ۵ ماه در بیمارستان، اتهامها: توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام. همچنین توهین به رییس قوه قضاییه و رییس جمهور سابق

- احسان مازندرانی: با خونریزی معده در اعتصاب حالش به وخامت حاد رسید. اتهامها: تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام

- سامان صفرزایی، ریحانه طباطبایی. محمد صدیق کبودوند و...

در ایران دیگر چه نوع زندانی نداریم؟ بله، "در ایران کسی به خاطر عقیده اش هم در زندان نیست".

خب این را هم جناب ظریف در مصاحبه با شبکه تلویزیونی پی بی اس فرمودند.

این دیگر یک حرف کمدی - دراماتیک است. طبق قوانین و استانداردهای بین المللی هر کس حق دارد هر حرف حتی توهین، شوخی، بد و بیراه و هر انتقاد هر طور که می خواهد به رهبران و سران کشورش بزند. اگر دستگیر شود، زندانی سیاسی به حساب می آید. اما اینجا مهر تباری علیه امنیت ملی می زند، زیرا امنیت خودشان را در خطر می بینند. علاوه بر دهها و صدها زندانی عقیدتی، همین ماههای اخیر ۸، ۹، ۱۰ و بیشتر زندانی عقیدتی روزها و روزها در اعتصاب غذا بودند، به خاطر ابراز عقیده. همین! و پای آن هم ایستادند. اینها زندانی سیاسی (محمد ابراهیمی) را به انفرادی منتقل می



کنند، به جرم اینکه با آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل صحبت کرده.

یک ادعای جالب دیگر: آقای ظریف با ظرافت ویژه خود به رسانه های خارجی گفته "من فردی به نام مجید توکلی نمی شناسم". حدس بزنیم چرا آقای ظریف از آنها نپرسیده "شما از کجا می شناسید او را؟"

البته همه اینها یک طرف، تعداد زیادی زندانی عقیدتی هم اعدام شده اند.

یک نوع زندانی دیگه هم که اصلا نداریم، کارگران، معلمان و دیگر زحمتکشان هستند. فقط معلوم نیست چطور و بنا بر چه دلایلی کار به جایی رسیده که دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری

در نامه ای به علی خامنه ای نوشت: "شرایط فعلی گزینه دیگری جز تسلیم شکایت رسمی از دولت ایران به سازمان بین المللی کار باقی نگذاشته. تردید ندارم که وجهه ایران در جامعه بین المللی آسیب بیشتری خواهد دید." او همچنین در نامه اش خامنه ای را به خاطر مرگ مشکوک رفیق شاهرخ زمانی زیر سوال برده بود.

آوازه بی عدالتیها نسبت به کارگران و زحمتکشان ایران به سازمانهای حقوق بشری و بین المللی رسیده است. اعتراضات کارگری از وسیع ترین، پر قدرت ترین و گسترده ترین اعتراضات اخیر بوده که بسیاری از فعالان حقوق کارگران، فعالان شبکه های اجتماعی و خانواده آنها از همسر و فرزند، مادر و پدر را به میدان مبارزه کشانده است. رهبران این حرکتها اعتراضی دستگیر و زندانی شدند. چند نمونه:

- حکم ۹ سال زندان برای آقای محمود صالحی با افتادن کلیه او از کار و نیاز به دیالیز

- ۱۱ سال زندان در مورد جعفر عظیم زاده، رییس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، و شاپور احسانی راد، عضو دیگر هیات اجراییه این اتحادیه، به جرم "اجتماع و تباری به قصد اقدام علیه امنیت کشور" و "فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی". آنها به اتهام تشویش اذهان عمومی، برهم زدن نظم عمومی و مشاوره به کارگران اعتصابی، به اسارت کشیده شده اند.

- داود رضوی، ۵ سال
 - ابراهیم مددی، ۵ سال و سه ماه
 - علی اکبر باغانی، ۱۰ سال و تبعید به زندان زابل
 - بهنام ابراهیم زاده نیز علیرغم سپری کردن ۵ سال حکم زندان، بنا بر حکم دوباره ای محکوم به ۷ سال و ده ماه زندان شده است و از سال ۸۹ زندانی است.
 - رسول بداعی، اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، محمد جراحی...
 با توجه به اینکه اینجا نامی از اعدامیها هم نمی بریم، مانند، فرزاد کمانگر، یا مرگ در اثر ضرب و شتم مانند ستار بهشتی. و این در حالیست که هم اکنون تعداد زیادی از فعالین کارگری و معلمان و مردم معترض به خاطر مبارزات شان در دفاع از حقوق کارگر، حقوق معلم، حقوق کودک و آزادیهای پایه ای چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، آزادی بیان و... با احکام امنیتی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی"، "اجتماع و تبانی علیه نظام"، "تبلیغ علیه نظام"، "توهین به رهبری" و... محکوم به زندان شده و تحت پیگرد قرار دارند.
 و اکنون نیز یک بند لایحه "اصلاح قانون کار" به امکان به زندان افکندن کارگران افزوده: ایجاد "کمیته های انضباطی" در کارخانجات و واگذاری تصمیم گیری اخراج کارگران به این کمیته ها در صورت "تخلف کارگران". این بند نیز اقدامی در جهت امنیتی کردن محیطهای کار و سرکوب کارگران است.
 و اینها تنها نمونه های مختصری هستند که مشخص می کنند زندانیان سیاسی از همه افشار جامعه هستند.

مقاومت زندانیان سیاسی

کمتر جایی در جهان زندانهای مخوفی مانند زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دارد. بی جهت نیست که برای نمونه هرگز به آقای احمد شهید اجازه بازدید از زندانها را ندادند. در گذشته نیز که چنین اجازه ای دادند، قسمت ویژه ای را از پیش آماده کرده بودند تا از شرایط فاجعه بار زندان گزارشی داده نشود.

بزرگترین و بارز ترین نمونه شجاعت و مقاومت، اعدام هزاران زندانی سیاسی در دهه ۶۰ و در سال ۶۷ یعنی اعدام زندانیان سر "موضع" است. آنها مجاهد، فدایی، کمونیستها، اعضای حزب دمکرات کردستان، کومله و دیگر انقلابیونی را که تسلیم نشدند، بی پروا به خون کشیدند. حتی نام برخی از آنان را نمی دانستند. همانطور که گفتم شرح این جنایت به واقع مثنوی هفتاد من کاغذ است که خوشبختانه با کوشش دوستان با جنبش عدالتخواهی دارد پیگیری می شود.
 همانطور که متوجه شده اید، زندانیان سیاسی مقاوم و با اراده که در بند و اسیر هستند، گزارشات متعددی از وضعیت زندانها، شرایط سختی که منجر به بیماری زندانیان می شود و عدم رسیدگی پزشکی منتشر کرده اند. آنها حتی در زندان هم دست از اعتراض و افشاگری برنداشته اند.

زندانی سیاسی علی معزی می گوید: "علاوه بر فوتهایی که در اثر عدم رسیدگی پزشکی در زندانها علیه زندانیان سیاسی در مواردی همچون محسن دگمه چی، هدی صابر پیش آمده، در سالهای اخیر، به خصوص در بند سیاسی زندان گوهردشت کرج، با مرگهای مشکوکی همچون امیر حسین حشمت ساران، منصور رادپور و افشین اسانلو روبرو شدیم. که به آن مرگ مشکوک رفیق شاهرخ زمانی را باید افزود."

من به یک مورد دیگر اشاره می کنم، به ارژنگ داوودی که از سال ۲۰۰۳ در اسارت است. او هرچند یکبار به بهانه های واهی و تشکیل پرونده های جدید، چندین ماه به سلولهای انفرادی منتقل می شود و به زمان اسارتش افزوده می شود. در نامه های ارژنگ داوودی، زندانی سیاسی مقاوم و شخصیت درخشان و محبوب، بارها در این مورد نوشته شده است. وی زمانی نه چندان دور وقتی خانم فدریکا موگرینی قصد سفر به ایران را داشت، ضمن شرح ستمی که به وی و دیگر زندانیان سیاسی شده، در نامه ای به او نوشت سفر وی "نه تنها به برقراری آزادی و دمکراسی در این کشور مصیبت زده کمکی

نمی‌کند، بلکه از یکسو موجبات رنجش خاطر زندانیان سیاسی و غیر سیاسی، به ویژه جریحه دار شدن احساسات خانواده های مبارزان سیاسی را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، به جری تر شدن دستگاه حاکم و حادثر شدن وضعیت اسفبار کنونی می‌انجامد."

رفیق اماندا - سحر که این مراسم را آغاز کرد، فقط ۱۱ سال داشت وقتی آقای ارژنگ داوودی دستگیر شد. او و یکی از دوستان همسن اش بارها وقتی از جانب سازمان عفو بین الملل در کنسرت‌های بزرگ برای جمع آوری امضا میز می گذاشتیم، با همه توان خودشان، این دختران بسیار نوجوان، برای پتیشن آقای داوودی امضا جمع می‌کردند. او الان ۲۴ ساله است و تصور اینکه هنوز ارژنگ در زندان است، برایش بسیار سخت است و دلشکسته می‌شود. برای همین با اینکه هرگز ایران نبوده، هیچوقت از فعالیت دست نکشیده است.

اگر فقط یک نمونه از مقاومت زندانیان سیاسی را بخواهم بگویم، به همین اعتصاب غذای اخیر می‌توانم اشاره کنم، ۸ یا ۹ نفر، بعد پیوستن امیر امیر قلی با اعتصاب خشک که البته به درخواست بسیاری از فعالان به اعتصاب تر رفت، سعید شیرزاد که لبان خود را دواخت در اعتراض به وضعیت زندانها و رفتار با زندانیان، علی شریعتی که به خاطر اعتراض به اسید پاشی حکم زندان گرفته بود و آرش صادقی با بیش از ۷۰ روز اعتصاب غذا ووو. همه اینها شگفت آور است. این همه مقاومت، اینهمه پایداری. اینان کاشفان فروتن شوکران هستند.

آرش صادقی در آستانه شصتمین روز از اعتصاب اعتراضی نامه ای نوشت که به قول یکی از رفقایم "نامه قوی و عمیقی بود ... مانیفست پایداری و انسانیت".

وی در بخشی از این نامه نوشت: "در این دو ماه پا به پای روزهای روزه رفته، من نیز تغییر کرده ام و بهتر است بگویم در کم نسبت به جهانی که در آن زیسته ام و هستی و موقعیتی که در آن به سر می‌برم، تحول بسیار کرده است. مطالباتم از خواست آزادی بی‌قید و شرط گلرخ، به عشق به تمام زندانیان سیاسی دیگر پیوند خورده است و اکنون خود را قلمه زده به تنه تنومند آن عشق می‌دانم که دو ماه است من را امیدوار و سرپا نگه داشته است. ترجیح می‌دهم شرافتمندانه بمیرم تا تن به ظلم و ذلت بدهم. شاید که مرگ من آغازی بر پایان بی‌قانونی و خشونت ساختاری در میهنم باشد."

آقای علی معزی، زندانی سیاسی زندان گوهر دشت (رجایی شهر کرج)، در دفاع از زندانیان در اعتصاب غذا می‌گوید: "زندانهای سیاسی که اعدام شدند و یا زندانهای طولانی کشیده اند یا در زندانها هستند، محکومیت هیچکدام پایه حقوقی، قانونی و یا حقوق بشری نداشته. آخر شما که نه زبان قانون سرتان می‌شود، نه زبان اعتصاب غذا، نه زبان تجمع و اعتراض، نه زبان حقوق بشر و سازمان ملل و نه از خدا می‌ترسید، معلوم هست چه زبانی می‌فهمید؟ کور خواندید، از این ورطه جان سالم بدر نمی‌برید. باید به فکر کفن و دفن تمامیت رژیم ولایت باشید."

آقای خواستار، نماینده کانون فرهنگیان خراسان و مشهد و زندانی سیاسی سابق، گفته است "در زندان، مبارزه تازه شروع می‌شود". او می‌نویسد: "ما با افتخار به زندانها می‌رویم، زندانهای شما است که اندیشه آزادیخواهی و عدالت خواهی و حق خواهی ما را نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان گسترش می‌دهد."

و چه به درستی رفیق خسرو گلرخ می‌گفت: "شما یک جوان را به خاطر خواندن یک کتاب به زندان می‌اندازید و وقتی او از زندان بیرون می‌آید، مسلسل دست می‌گیرد."

شاید حق نباشد از مقاومت زندانیان بگویم و یاد کوتاهی از آنان که در اثر این مقاومتها جان عزیزشان را گرفتند، نگویم. در این سالها پس از کشتار ۶۷، جمهوری اسلامی اعدام زندانیان سیاسی مقاوم را همچنان ادامه داد و بیشترین اعدامها را از مردم کردستان و مبارزین هموطن کرد. از جمله اعدام فرزند کمانگر، معلم آزاد اندیش، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، شیرین علم هولی، مهدی اسلامیان در زندان اوین. محمد عبداللهی، زندان ارومیه، شیر کوه معارفی، ارومیه، حبیب الله گلپری پور، ارومیه و شهرام احمدی به همراه ۲۰ تن اهل سنت و برادرش. اعدام زندانیان مجاهد خلق از جمله علی صارمی و غلامرضا خسروی، جعفر کاظمی، محمد حاج آقای، حجت زمانی و... و کشتار مبارزان ارتش آزادی بخش ملی در کمپ

اشرف و لیبرتی و جنایتها و قتل معترضان در خیزش ۸۸ مانند ندا آقا سلطان، سهراب اعرابی، احمد نعیم آبادی، محرم چگینی، کیانوش آسا.

کاش فرصت بود همه این عزیزان را نام می بردم و البته قتلها در کهریزک در اثر شکنجه و و همچنان ادامه دارد که همگی نشان از مقاومت و جنبشی زنده دارد.

آقای اسماعیل خوبی، شاعر متعهد زمان ما، در یک بند سروده اش این همه جنایت را خلاص کرده:

سنجیدم و دیدم که نشانی ز تکامل ... احکام نرون دارد و احکام شما نه

همبستگی

اکثر ما در اینجا به خاطر دسترسی داشتن به اطلاعات آزاد و البته میل و انگیزه خودمان در جریان مقاومتها و همبستگی زندانیان هستیم. از این رو من فقط به ذکر چند نمونه می پردازم:

- حکم شلاق علیه کارگران معدن سنگ آهن بافق و اعتراض گسترده بیشتر از یک هزار کارگر این شرکت به آن، به طوری که این حکم دو سال تعلیق شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار بیانیه ای این حکم را "ضد انسانی" و به معنای اعاده "دوران بربریت علیه کارگران" توصیف کرد و گفت، این اقدام رژیم، تنها ابزار عدالت خواهی را از کارگران محروم می کند.

- بیانیه مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده همراه با تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر در اعتراض به احکام امنیتی علیه تعدادی از فعالان دفاع از حقوق کودک که در آن بار دیگر بر این کارزار و خواست مشخص لغو پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض تاکید شده است

- اعلام حمایت زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر از سعید شیرزاد و درخواست رسیدگی فوری به وضعیت او و خواسته هایش

- افسانه بایزیدی، فعال دانشجویی کورد اهل بوکان، که به چهار سال زندان و تبعید به زندان کرمان محکوم شده، نوشته است: "من به عنوان یک دختر کورد از درون زندان از مطالبات این زندانیان حمایت می کنم، چون درد اعتصاب را چشیده ام و ۲۰ شب و روز با این اعتصاب زندگی کردم. اما کسی نمی تواند زندانی را وادار به شکستن اعتصاب کند. او حق دارد تصمیم بگیرد و راهی را که انتخاب کرده را با شرافت پیش ببرد تا به حق و خواسته هایش برسد." افسانه بایزیدی از رسانه ها گله کرده که در مورد زندانیان تبعیض قایل می شوند: "با زبانی ساده می نویسم، من به عنوان یک دختر کورد زندانی که ماه ها شکنجه شدم و حتی تهدید به تجاوز جنسی گردیدم، اما برای من، زندانی فرقی ندارد، ولی بعضیها هستند که کوردها را مورد تبعیض قرار می دهند." او همچنین می گوید عثمان مصطفی پور، محمد نظری، عمر امامی، والی درودی و بسیاری دیگر که بیش از ۲۰ سال است به خاطر باور و تفکرات سیاسی شان در زندان هستند.

- آرش صادقی، زندانی سیاسی، در ۳۳مین روز اعتصاب غذا به سعید شیرزاد و دیگر زندانیان عقیدتی محبوس در زندان رجایی شهر نامه ای سرگشاده نوشته که پاسخ به نامه پیشین سعید شیرزاد بود. او در قسمتی از این نامه می نویسد: "امروز گلرخ برای من نمادی است از مظلومیت زینب جلالیان، نرگس محمدی، فهیمه اسماعیلی، مریم اکبری منفرد، فاطمه مثنی، آریتا رفیع زاده، هاجر پیری، افسانه بایزیدی، ریحانه حاج ابراهیم دباغ، الهام فراهانی، مهوش شهریاری، فریبا کمال آبادی. سعید جان! فروزانی مشعل آزادی و خرد و دفاع از کرامت و حرمت انسانی بهایی دارد که نمی توان از پرداخت بهای آن طفره رفت."

در خاتمه و پیش از آنکه به جمع بندی صحبتهایم برسیم و همانطور که پیشتر گفتم، برویم روی موضوع چه باید کرد. این بخش را با خواندن قسمتهایی از نامه رفیق سعید شیرزاد به رفیق امیر امیر قلی خاتمه می دهیم:

"به نام خلق محروم ایران،

امیر جان رفیق نازنینم: در کمال بهت و ناباوری مثل پتکی که توی سرم خورده باشد، خبر صدور حکم ۲۱ سال زندان توسط بیدادگاه ارتجاع و فاشیسم موسوم به بیدادگاه ضد انقلاب را شنیدم.

این روزها که زندان خانه من و تو شده است؛ خانه ای که خود خواستیم آنجا باشیم که با بودنمان به سوی ویرانی اش برویم و این راهیست که در سیر تکامل تاریخ نامهایی چون مزدک و بابک، ستار و حیدر و میرزا کوچک خان، ارانی و وارطان و انقلابی ترین زمانه خویش، حسین فاطمی را به خود به یادگار گذاشته است؛ تاریخی که جزئیها، پویانها، احمدزاده ها و گلسرخی و دانشیان و همایون کتیراییها را و تا همیشه فرمانده حمید اشرف و مرضیه اسکوییها و حنیف نژاد و بدیع زادگان و رضاییها را در خود نهفته است. سیر تکامل تاریخی که بدون نام سعید سلطانیور و محسن فاضل و بهکیشها عقیم می ماند و



هزاران هزار نامی که از آنها باید گذشت و به شاهرخ زمانی باید رسید که گوهردشت را به ستوه آورده بود.

رفیق جان! این کمتر از هیچ به نام سعید شیرزاد، فرزند ناخلف خلق سرخ و قهرمان کردستان که نامش با کاک فواد مصطفی سلطانی و صدیق کمانگر و با لاله هایی چون احسان فتاحیان و شیرین علم هولی و فرزاد کمانگر پیوند خورده است، به تو

نوید می دهم که از هر قطره خون ما هزاران فدایی برمی خیزد و پوزه ارتجاع و فاشیسم را با تمام ارتشهای ضد خلقی اش به خاک می مالد، همانگونه که خون صارمیها و خسرویها جوشیده است و مقاومت زندان با نام شان پیوند خورده است. رفیق جان! این روزها که با تاریخ پر از نهضت جنگل تا رستاخیز سیاهکل و پیوند خوردن نام فدایی خلق با ظفار و اولین قربانیان قیام ۵۷ در به خاک و خون کشیده شدن رفقای مان در ترکمن صحرا و قتل عامهای دهه ۶۰ و تابستان خونین ۶۷ تا سرکوب کارگران خاتون آباد و شهر بابک تا به همین روزها که دیگر رفقای مان به خاطر دفاع از مطالبات طبقه محروم جامعه با احکام سنگین روبرو می شوند، به تو می گویم که تا آخرش ایستاده ایم و خطاب به آن دکانداران سیاسی و مدعیان به اصطلاح حقوق بشر تا به آن چپهای چپ کرده از بیماری می گویم که برای جهان بی مرزمان تا آخرین قطره خون خود ایستاده ایم."

وی نامه خود را با زنده باد آزادی و برابری، زنده باد سوسیالیسم مرگ بر فاشیسم و ارتجاع. فدایی خلق ایران، سعید شیرزاد، زندان گوهردشت ۲۹ بهمن " خاتمه می دهد.

در جمعبندی، زندانیان سیاسی نماد یک جنبش در کشور هستند و علت این ادعا ۱- ایجاد تشکلهای صنفی - سیاسی در شرایط اختناق

- ۲- تعداد و وسعت اعتراضات نیروهای کار
- ۳- بازداشتها و دستگیریهای گسترده
- ۴- احکام طولانی و اعدامها
- ۴- همبستگی و مقاومت زندانیان سیاسی با یکدیگر
- ۵- کشیده شده اعتراضات آنان به جنبش مادران
- ۷- افزایش فعالیتهای در شبکه های اجتماعی که به دلیل کمی وقت بدان پرداختم

چه باید کرد؟

اما چگونه می توان جامعه را بیشتر و بیشتر مداخله داد و آنها را به حمایت از زندانیان سیاسی تشویق کرد؟ برخی از کارهای عملی و موثری که می شود انجام داد از این قرار است:

- ۱- خبر رسانی و آگاهی دهی در باره زندانیان سیاسی از قبیل تشریح علت دستگیری
 - ۲- کمک رسانی به خانواده های زندانیان سیاسی و زندانیان سیاسی با هر شیوه ممکن
 - ۳- ارتباط و پشتیبانی و برطرف کردن نیازهای آنان
 - ۴- روشن کردن و توضیح دادن اهداف زندانیان سیاسی که برای سعادت همین جامعه و نسل بعد مبارزه می کنند
 - ۵- تشریح این امر که زندانیان سیاسی به جای ما و برای ما در زندانند
 - ۶- گفتگو و ایجاد حس وظیفه و مسوولیت
 - ۷- نشان دادن راههای محتاطانه برای کسانی که در هراس هستند
 - ۸- فعالان سیاسی در داخل و خارج سازماندهی کنند و با حفظ امنیت دوستان و فامیل خود را به این سمت ترغیب کنند
 - ۹- ایجاد اتحاد و همبستگی درون جامعه
 - ۱۰- پافشاری بر عدالتخواهی
 - ۱۱- کمکهای مالی که از چند راه ممکن است. هر یک از ما نه تنها خودمان، بلکه دیگران را تشویق کنیم یک قلم داشته باشیم و هر وقت توانستیم در آن پول بریزیم و کمک کنیم به خانواده های زندانی سیاسی
 - ۱۲- صحبت، دلداری و دلجویی از خانواده ها
 - ۱۳- شرکت در مراسم و تجمعات آنان
 - ۱۴- به طور مستمر مطرح کردن زندانیان و آشنا کردن با چهره های آنان در شبکه های اجتماعی
 - ۱۵- خبرگیری از زندانیان ناشناس و مطرح کردن آنها
 - ۱۶- تماس مداوم و نامه نوشتن و هر راه ممکن دیگر با سازمانها و نهادهای حقوق بشری. تشویق دیگران در داخل و خارج از مرز بدین امر. تهیه پتیشن و غیره. لیستی از برخی از این نهادها هم بر روی میز کتاب گذاشته شده. و در نهایت تلاش کنیم که هرگز تبعیضی در این امر قایل نشویم. بیابیم همه با همبستگی و اتحاد و حمایت از فعالیتهای یکدیگر، به یاری زندانیان سیاسی بشتابیم. همانطور که گلرخ ایرایی، محکوم به ۶ سال حبس، در زندان گفت: "بیاید حقوق بشر را برای همه بخواهیم."
- بعد از ۳۰ دقیقه آنتراکت فرصتی داده شده که شما دوستان و رفقا نیز لطفاً بیاید و پیشنهادات خودتان را در این زمینه مطرح کنید. ممنون که گوش کردید. سخنان خودم را با دو شعار محوری سازمان خاتمه می دهیم:
- ما بیشمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم
- نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال دموکراسی صلح و سوسیالیسم

چهار شعر از رفیق باقر مومنی



این اشعار که در سال ۱۳۵۰ سروده شده، برای اولین بار انتشار بیرونی پیدا می کند. در همایش چهل و ششمین سالگرد رستاخیز سیاهکل دو شعر «سیاهکل» و «جای خالی چهاردهمی» خوانده شد.

سیاهکل

انار بلوغ

بر سینه ی مادر دهان گشود
و سیزده دانه ی سرخ، جبهه بر خاک نهاد
کودکان
از محراب قربانگاه ساختند
جوانان
از قربانگاه عماری خواهند ساخت
۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۰

سیاهکل
انار بلوغ
بر سینه مادر دهان گشود
و سیزده دانه سرخ جبهه بر خاک نهاد
کودکان
از محراب قربانگاه ساختند
جوانان
از قربانگاه عماری خواهند ساخت

۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۰

جای خالی چهاردهمی

وه که چه بچه های بدی!
وقتی جنگل را از غریو تفنگ پر کردند
خیلی ها به خود گفتند:
«زندگی مان چقدر خالی است!»
و هنگامی که از پا درآمدند
من به خود لعنت کردم:
«چرا بیست و چهار ساله ازدواج نکردم؟
چرا؟
آخر حالا دختر بیست ساله ام
به جای یکی از سیزده تا ایستاده بود.
اردیبهشت ۱۳۵۰

جای خالی چهاردهمی
وه که چه بچه های بدی!
وقتی جنگل را از غریو تفنگ پر کردند
خیلی ها به خود گفتند:
«زندگی مان چقدر خالی است!»
و هنگامی که از پا درآمدند
من به خود لعنت کردم:
«چرا بیست و چهار ساله ازدواج نکردم؟
چرا؟
آخر حالا دختر بیست ساله ام
به جای یکی از سیزده تا ایستاده بود.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۰

مجاهد

من کشتگرم
و برف و زمستان
دایگان شکوفه های من
من مجاهدم
و شب
زهدان خورشیدهای من است.
۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۰

ذره

ذره با خورشید خورشید است
ذره بی خورشید ذره است
ذره خود هیچ است.
قطره بودم،
قطره با یک بوسه خورشید
هیچ است
قطره با دریا در آمیخت
قطره دریا شد
زورق خورشید را چون ذره در بازو گرفتم.
۹ خرداد ۱۳۵۰

پیام جمعی از دانشجویان کمونیست

اینک، یادآوری سالروز رستاخیز سیاهکل، سالروز ورود بلامنازع جنبش مسلحانه به تاریخ مبارزه ی خلق ایران است. نشان از آغازی نو و طلوع است. در میان اپورتونیسیم حزبی و تمایلات عصیان آلود و ارتجاعی خمینی، ازین طلوع است که تاریخ به خود می بالد و خود را جدا می کند. آن زمانی که جنبش مسلحانه تبدیل به واقعیت می شود، شکست دگم و فرصت طلبی، آنی است که پیشاهنگ انقلابی روزنی در فضای رخوت و نومیدی توده ها می گشاید و این ورود به پراتیک تا یگانگی به تئوری است. اکنون، ما جمعی از دانشجویان کمونیست ضمن ادای احترام به سازمان چریک های فدایی خلق ایران این تاریخ را گرمی می داریم و می گوئیم که ورود به پراتیک انقلابی در این دوران سستی و رخوت، بازگشت هژمونی به جنبش چپ را در گرو خود دارد.

یادشان گرمی و راهشان پوینده

جمعی از دانشجویان کمونیست

بهمن ۱۳۹۵

پیام هواداران سازمان در لرستان

بهمن ماه بار دیگر فرا می رسد، ۱۹ بهمن یاد آور دلاوریهای جان بر کفانی است که هدفی جز رهایی زحمتکشان و ستم دیدگان نداشتند. در ۱۹ بهمن بود که توفان شکوفه داد و مشت درشت مردم خواب خوش را از چشم وابستگان به امپریالیسم زدود. ۱۵ منادی شرف و عزت و ۱۵ سنگر شکن و سنت شکن دست رد بر سینه تسلیم طلبان و مماشات گران زدند و تنها راه رهایی توده های ستمدیده و در بند را با نثار خون خود نمایاندند. این صف شکنان سنت شکن توهم شکست ناپذیری رژیم دست نشانده را فرو ریختند و اعلام مبارزات رهایی بخش را که تنها راه نجات از دست چپاولگران و خائنان به حقوق زحمتکشان است را جز با مبارزات قهر آمیز نمی دانستند.

و اینک پس از گذشت سالها و تغییر حاکمان در یافتیم که راه نجات همان است که رفقای جانفشانمان پیمودند. بار دیگر با اختران جاویدان سپهر مبارزات خلقهای تحت ستم پیمان می بندیم که ره رو راه سرخ آنها بوده و هستیم و علیرغم تمام مشکلات بی حد و حساب خللی در عزم و اراده مان به وجود نخواهد آمد.

از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - لرستان

بهمن ۱۳۹۵

پیام پرستاران پیشگام

و آن هنگام که کوهها به رفتار درآمدند و جانها به هم پیوستند، درختان عریان جنگل به شکوه پیکر خونین مردان زمینی نگریستند و فریاد زدند «به چه گناهی کشته شدند؟»

نه مرد، نه دلاور نستوه، نه ستاره ی سرخ، مصمم به رهایی و مومن به صداقت گلوله آن زمان که سینه سیاه دشمن را نشانه گرفت. مردانی ستیهنده که جانگواه از دل جنگل آزادی و رهایی خلق را فریاد زدند و جنگلی که عشق را زیست و قدمگاه راسخ ترین مردان شد. دلاورانی که از دل وهم جنگل راهی ساختند برای رسیدن به ظفر.

۱۹ بهمن ۱۳۴۹ طنین صفیر گلوله ها و معرکه ای که بر پا کرد. اسرافیل در صور دمید و رستاخیز سیاهکل آغاز شد. غریو خشم سلحشوران، آرام و قرار از قصیر ساکنان خفته در کاخها ربود و صدای خردشدگی جبروت پوشالی ملوکانه شان را نوید داد. شیشه ی عمر عفریت هفت سر دیگر در آسمان هفتم نبود. یلانی پای بر زمین شیشه را به سنگ ایمان کوفتند و ترک دادند.

دیگر ستم کردن بر خلقِ مرعوب، برای جلادان حاکم بی هزینه نبود.

چگونه می شود بی ترس و تشویش از عقوبت به خلقی ستم کرد که «فدایی» دارد؟

سیاهکل اما فقط حماسه ی ایثار نبود. نشان راه بود در تداوم نبرد. میزانی بود برای تمیز سره از ناسره. دلیل محکمی برای نفی هرگونه سازش. تطهیر چهره ی ملکوک مبارزه بود از مصلحت طلبیهای حزبی.

آغاز جنبش مسلحانه خط بطلانی بر تئوریهای محافظه کارانه ای بود که موجب فروکاست مبارزه به امری منفعل و واکنشی شده بود.

بذر امید پاشیده شد و هیبت شکست ناپذیر دشمن در هم شکست و راهی تازه برای مبارزه گشوده شد.

راهی که نه با چانه زنی و مامشات که با تهور و ایمان رفقای فدایی گشوده شد و تاوانی اگر داشت نه برگرده ی توده های ستم دیده که به بهای خونهای پاک فداییان بود، در زمانه ای که جز به قهر انقلابی نطفه ای بسته نمی شد.

تدقیق و واکاوی حماسه سیاهکل که یادآور رشادت مردانی ست که با دست خالی از امکانات و کوله ای تهی از تجربه، دلاورانه به جنگ تن به تن با خصم قسی القلب بد نفس شتافتند، البته کاریست سهل و ممتنع و مسیر مبارزه را روشن تر از پیش می سازد، اما نفی و تشکیک در اصل و بایستگی مبارزه مسلحانه ی رفقا جز از عهده ی عناصر نا مطلوب تن آسای مسامحه کار بر نمی آید.

سیاهکل حماسه ای است که تا ابد درسهایی برای حق طلبان پای در راه دارد.

ما هنوز و همیشه ایمان داریم به صداقت گلوله هایی که در راه رهایی خلق شلیک شد.

یادشان گرامی و خون سرخ شان نه غمی بر دل که همچون اختری سرخ بر تارک تاریخ این سرزمین می درخشد.

و جنگل هنوز رشادت را به تماشا نشسته، رشادتی از جنس حماسه، حماسه ای که عشق است و ایثار، ایثاری که شاید حلقه ی گمگشته ی نبرد خلق باشد.

پرستاران پیشگام - بهمن ۱۳۹۵

پیام جمعی از کمونیستهای آذربایجان . ایران

چهل و ششمین سالگرد جنبش مسلحانه سیاهکل گرامی باد

تجربه یک قرن اخیر نشان می دهد آن جنبشی می تواند در ایران دگرگونی عمیق ایجاد کند که در نهایت مقید به جنبش مسلحانه باشد. جنبش مسلحانه مشروطه مونارشسیسم قاجار را سرنگون ساخت و جنبش مسلحانه سیاهکل دودمان توتالیتار

پهلوی را، سومین شلیک را که خواهد کرد ..؟

پس آمد و حاصل قیام سیاهکل چه بود؟ آنها توانستند در مدت ۷ سال پنجمین ارتش قدرتمند جهان، ارتش شاهنشاهی را شکست دهند... آنچه از شاه به ۵۷ کشید سپر فولادینی بود که چریکها سوراخ سوراخ کرده بودند. تقبیح جنبش مسلحانه و نقد نابخردانه آن دستاوردی جز انفعال و کاریکاتوری از دیپلماسی شبه انقلابی نداشته است. فرصتی که نزدیک به چهار دهه از آن می گذرد اما آنچه بوده پلاتفورمهای بی حاصل و گفتمان بی گزند روشنفکری محض بوده است. زنده باد قیام سیاهکل، گرامی باد یاد و خاطره شهدای جنبش مسلحانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، زنده باد سوسیالیسم ..

جمعی از کمونیستهای آذربایجان . ایران - بهمن ۱۳۹۵

پیام برخی از فعالان کارگری

رفقا، ما سپاسگزاریم از شما هم به خاطر تحلیلها و نقدهای زیبا و کوشش خستگی ناپذیر شما در راه آزادی و آزادی خواهی و همچنین توجه و تلاش شما در زنده نگه داشتن یاد و خاطره رفقای حماسه سیاهکل؛ درود فراوان بر شما و گرامی باد یاد آن عزیزان از جان گذشته و آزادیخواه. گرچه مبارزات و جان فشانیهای رفقا نتیجه مطلوب و دلخواه را حاصل نکرد، اما رنجهای آن عزیزان امروز گنجینه های با ارزشی است برای نسل جوان به مثابه درسها و تجاربی برای نیل به آزادی و آزادیگی. از سوی برخی از فعالان کارگری
بهمن ماه ۱۳۹۵

پیام یک رفیق

رفقا و یاران سیاهکل!

امروز در سرزمین ما که گله ی گرگهای جمهوری اسلامی دیوانه از درندگی و خون باره گی، به جان هم افتاده و سر و گوش یکدیگر را می درند و هراسان از خشم مردم به جان آمده، به سرکوبی وحشیانه ی تجمعات فعالان سیاسی و اعتصابهای کارگران، معلمان و پرستاران و برخورد با فعالان بی شمار شبکه های مجازی مشغول اند، حتی از فرط درماندگی دست به کشتار دست فروشان و کولبران تھی دست می زنند، یاد آوری و باز خوانی حماسه ای چون سیاهکل، که در زمان خود، پرده ی امنیت پوشالی رژیم شاه را درید و توهم جزیره ی ثبات را در چشمش به کابوس سقوط عنقریب مبدل کرد، همچنان می تواند و می باید که رژیم متزلزل ارتجاعی و غیر انسانی ولایت فقیه را که پشتوانه ای جز دلار و سلاح ندارد، دو چندان هراسناک کرده و توهم شکست ناپذیری و ماندگاری آن را از بین ببرد.

و نیز به گوش آنان که مبارزه ی مستقیم مردمی و قیام مسلحانه را به زعم خود با نام خشونت و تروریسم در بوق و کرنا می کنند، تلنگری زده و به یادشان آرند که مبارزه ی اصیل توده ی مردم به هر شکل آن ادامه دار است. این واقعیتی است که از شنیدن اخبار درگیریهای فراوان مستقیم مردم با مزدوران انتظامی، بسیج و سپاه در شهرهای مختلف می توان باور کرد.

پس یاران و رفقا!

هرچه مصمم تر و با شکوه تر، حماسه ی سیاهکل و آرمان شهدای فدایی خلق را به پا دارید و به یاد همگان آرید. راهتان

پر رهرو باد!

امید برهانی

بهمن ۱۳۹۵

نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با موفقیت به کار خود پایان داد

نشست شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر محور بحثهای فشرده سیاسی و تشکیلاتی، تبادل نظر گسترده آرا و تدوین راهکارهای اجرایی برگزار گردید. کمیته مرکزی منتخب این شورا، مسوولان بخشهای مختلف را انتخاب کرد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از یکشنبه ۱۷ بهمن تا روز سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ (۵ تا ۷ فوریه ۲۰۱۷)، نهمین اجلاس شورای عالی خود را با حضور مسوولان، کادرها و اعضای سازمان با یک دقیقه سکوت به احترام و در بزرگداشت یاد و خاطره شهدا و زندانیان جنبش پیشتاز فدایی و به یاد همه شهدا و جانبازگان راه آزادی مردم ایران آغاز کرد. سپس دستور اجلاس که از طرف دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود، به شرح زیر تصویب رسید:

* بحث و بررسی گزارش سیاسی سخنگوی سازمان در مورد تحولات سیاسی و قطعنامه مشترک دو تن از رفقا

* دریافت گزارش بخشهای مختلف تشکیلات و بررسی نقاط قوت و ضعف هر بخش

* انتخاب کمیته مرکزی سازمان

در نخستین بخش، سخنگوی سازمان، گزارش سیاسی که به طور عمده به شرایط سیاسی و اقتصادی دوران پس از "برجام" اختصاص یافته بود را ارائه داد.

شورای عالی سازمان پس از گفت و گو و تبادل گسترده آرا، گزارش سخنگوی سازمان را به تصویب رساند. پس از آن قطعنامه مشترک رفقا مهدی سامع و منصور امان "پیرامون آرایش رژیم پس از عقب نشینی هسته ای" به اجلاس ارائه شد که این سند هم پس از بحث، بررسی و تبادل نظر کامل به اتفاق آرا به تصویب رسید. خطوط کلی این دو سند در دو سال گذشته در ۲۴ سمینار ماهانه سازمان نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته بود. متن این دو سند پیش از برگزاری اجلاس در اختیار رفقای تشکیلات قرار داشت. متن کامل دو سند یاد شده در همین شماره "نبرد خلق" درج گردیده است.

در دومین بخش اجلاس شورای عالی، گزارش فعالیت نهادها و ارگانهای سازمان در فاصله دو نشست توسط مسوولان مربوطه ارائه و مورد بررسی قرار گرفت. در همین رابطه، توجه اکید شرکت کنندگان بر فعالیت در داخل و فعالیتهای تبلیغاتی و روشنگرانه بود. نشست با تفکیک موضوعی نقاط قوت و ضعف در جنبه های گوناگون فعالیت بیرونی سازمان، راهکارهای تقویت و ارتقا کوششهای تشکیلاتی را به بحث گذاشت و مفاد اجرایی آن را جمع بندی کرد. آخرین بند دستور کار اجلاس، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شورای عالی، اعضای کمیته مرکزی را با رای گیری مخفی و بر معیار نصف به اضافه یک برگزید.

نشست شورای عالی سازمان پس از سه روز کار فشرده، با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. کمیته مرکزی منتخب شورای عالی، در نخستین جلسه خود که بی درنگ پس از پایان نشست برگزار گردید، با انتخاب اعضای هیات دبیران "نبرد خلق"، مسوول دبیرخانه و مسوولان ارگانهای تشکیلاتی و اجرایی و انتخاب رفیق مهدی سامع به عنوان سخنگوی سازمان، تعیین راهکارهای عملی برای اجرای مصوبات شورای عالی را در دستور کار جلسه آینده خود گذاشت.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

قطعنامه پیرامون آرایش رژیم پس از عقب نشینی هسته ای

۱- عقب نشینی خامنه ای از پروژه هسته ای، یک سرفصل مهم از پروسه ای است که قیامهای سال ۱۳۸۸ به جریان انداخت. بدون در نظر گرفتن این فاکتور پایه ای در کنش حکومت، هر تحلیل و ارزیابی از تصمیم مزبور و سیاست ناشی از آن، ناقص و بلکه گمراه کننده خواهد بود. قدرت سهمگین این خیزشها که رژیم را تا آستانه سقوط پیش برد، نه فقط صف بندی موجود در جامعه علیه رژیم و پتانسیل انقلابی آن را به حکومت نشان داد، بلکه همچنین ظرفیت ناچیز حاکمیت برای پیشبرد پروژه ضد مردمی هسته ای در شرایط تحریمهای فلج کننده و بر دوش توده ها را نیز بدو فهماند.

رویدادهای سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، مولفه های اقتدار خامنه ای و در صدر آنها نصب گماشته خود بر ریاست جمهوری و پروژه هسته ای را یکی پس از دیگری به کانون بحران بدل ساخت و بازسازی اتوریته اش توسط فرصت عراق را به نقشه ای خیالی فرو کاست. سرانجام خامنه ای که تاب و توان سیاسی - اقتصادی تحمل تحریمها را نداشت، ابتدا به ریاست روحانی تن داد و پس از آن در یک «نرمش قهرمانانه» بدون دنده و ترمز، در برابر طرفهای خارجی عقب نشینی کرد و مجبور به نوشیدن جام زهر اتمی شد.

۲- نقطه ثقل رویکرد باند حاکم ولی فقیه پس از سر کشیدن جام زهر اتمی، مهار عوارض ناگزیر این عقب نشینی و محدود ساختن دامنه آن است. باند مزبور در «پایین» با بگیر و ببند، زندان، شکنجه، اعدام و افزایش تحمیلات فرهنگی و ایدئولوژیک به مقابله و ترور جامعه پرداخته و در «بالا» با ابزارهای حقیقی و حقوقی که در اختیار دارد، در تلاش برای پایش جناح رقیب و کارگزاران هسته ای خویش در چارچوب خط و مرزهای مشخصی است که ترسیم کرده است.

۳- شکست سیاست یکدست سازی و فرآیندی که منتهی به نوشیدن جام زهری اتمی گردید، صف بندی بین «ولایت مطلقه فقیه» و «ولایت مشروطه فقیه» را آشکار تر ساخت. این صف بندی از یک طرف منجر به فروپاشی باندهای موسوم به اصولگرا شد و از طرف دیگر به حذف کامل اکثریت باندهای موسوم به «اصلاح طلب» و تبدیل بقایای آنها به زایده جناح میانه اصولگرا یعنی باند رفسنجانی - روحانی انجامید. در این صف بندی، پیاده نظام خامنه ای نقش «دلواپس» را ایفا می کند تا به نیابت از وی، بر زیاده خواهی باند میانه لگام بزند.

۴- نتیجه انتخابات مجلس خبرگان و شورای اسلامی بازتاب سیاسی - تشکیلاتی این صف بندی در ساختار قدرت و توازن قوای شکل گرفته در آن پس از «نرمش قهرمانانه» است که با شریک گرداندن باند رفسنجانی - روحانی در ارگانهای قدرت حقوقی نمود یافته است.

۵- نتیجه انتخابات دو مجلس، پس از قلع و قمع کاندیداها از جانب شورای نگهبان، براساس نیازهای داخلی و خارجی رژیم طراحی و مهندسی شد. چیدمان مجلس شورای اسلامی برپایه تشکیل ارگانی توافقی برای تامین پیش شرطهای حقوقی - اقتصادی "برجام" صورت گرفت و ترکیب مجلس خبرگان با هدف حفظ ابزار انحصاری باند حاکم برای کنترل قدرت حقیقی ساخته و پرداخته شد.

۶- توازن در مجلس خبرگان فعلی که به دلیل احتمال انتخاب جانشین خامنه ای در دوره فعالیت آن اهمیت و حساسیت ویژه ای یافته، به سود جناح حاکم است. تکیه زدن جنتی، سر مهندس انتخابات ساختگی و متقلبانه در ولایت خامنه ای،

به کرسی ریاست مجلس خبرگان، به خوبی جهتگیری آن به سود منافع این جناح و وظیفه ای که در دستور کارش ثبت گردیده را بازگو می کند.

۷- آرایش مزبور تمام تبلیغاتی که مبلغان «اصلاح نظام» و در راس آنها باند رفسنجانی - روحانی پیرامون «ولایت مشروطه فقیه»، «شورای رهبری» یا «نظارت بر رهبری» به عنوان استراتژی و راه حل می پراکندند را به خرافاتی پوچ و بی مایه تبدیل کرده است. مساله اصلی برای جناح میانه حکومت تکامل «برجام» به معنی حل مساله رابطه با آمریکا و کنار آمدن با قدرتهای منطقه ای برای مشارکت در ترتیبات جدید در نقشه سیاسی، نظامی و اقتصادی در خاورمیانه است.

۸- صدر نشینی رقبای باند ولی فقیه در انتخابات دو مجلس در تهران، اگرچه گذشت بی اهمیت باند حاکم برای حفظ لقمه بزرگ تر قدرت محسوب می شود، با این حال در نظر به موقعیت عمومی آن، روند فرسایش هژمونی خامنه ای را که با خیزشهای ۸۸ و شکست پروژه یکدست سازی قدرت آغاز گردید، تداوم بخشیده است. شکاف در دستگاه قدرت به موازات تضعیف باند حاکم گام به گام ژرف تر شده است.

۹- تشکیل مجلس توافقی شورای اسلامی نه تنها به مفهوم تخفیف تضادهای داخلی رژیم نیست، بلکه زمینه تازه ای برای تشدید آن در دو سطح مختلف را فراهم می آورد:

اول: با توافقی و خنثی شدن هر چه بیشتر مجلس که به معنای کاهش تاثیرگذاری آن در سویه و نتیجه اختلافها هم هست، کانال درگیریها هر چه بیشتر به سمت کانون اصلی قدرت و بالاترین سطوح آن متوجه می شود.
دوم: ائتلاف مصلحتی شکل گرفته در مجلس به دلیل آنکه مبنای برنامه ای و استراتژیک ندارد و محصول ناگزیرهای روز و فوری باندهای حکومتی می باشد، شکننده و ناپایدار است و از این رهگذر در بطن خود شکل گیری بحرانهای سیاسی روزمره و فلج شدن نهاد مزبور را می پروراند.

۱۰- انتخاب لاریجانی و پروسه ای که به نشستن او بر این مسند انجامید، به گونه واقعی چگونگی توازن نیروها در مجلس شورای اسلامی و سهم هر یک از باندهای حکومتی در آن را آشکار کرد. این برآمد، موجودیت نیرویی مستقل در ترکیب فعلی قدرت زیر نام «اصلاح طلب» را به شدت زیر سوال برده است. اینان که دیگر قادر به فعالیت مستقل نیستند، با انتخاب لاریجانی و خودداری از حمایت از نامزد خود (عارف)، در عمل بر نقش خویش به مثابه زاییده و روزی خور باند میانه صحنه گذاشتند.

۱۱- برآمد انتخابات دو مجلس خبرگان و شورای اسلامی بار دیگر بر بی ثمری انتظار از نمایندهای انتخاباتی حکومت برای ایجاد یا شروع هر تحول مثبتی (حتی در چارچوب نظام) را به اثبات رساند. حاصل کار کسانی که در اوج ورشکستگی سیاسی و بدون هر آلترناتیو - حتی جعلی - این بار به ناچار با ترفند «رای سلبی» روی صحنه آمدند، بدون هیچ تفسیری در برابر چشم داوری جامعه قرار گرفته است.

۱۲- در آستانه نمایش انتخابات ریاست جمهوری انتظار می رود سناریوی «رای سلبی» در بسته بندی تازه ای اما با همان هدف دوباره روی صحنه آورده شود. این بار نیز باندها و دسته بندیهای حکومتی و وابستگان حرفه ای یا مدافعان شرمگین آنها در داخل و خارج کوشش خواهند کرد از نگرانیهای به حق جامعه کلاهبرداری سیاسی کرده و کلاشانه آن را پای «حفظ نظام» خرج کنند.

تابلوهای مورد استفاده آنها در این راستا - سازگار با شرایط روز - تهدید ساختگی درگیری نظامی با آمریکا و خطر موهوم لغو توافق هسته ای خواهد بود.

از این رو باید شعبده بازی انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در اردیبهشت سال آینده برگزار شود را تحریم کرده و همگان را به برنتابیدن این نمایش که منافی حق حاکمیت مردم است، فراخواند.

مهدی سامع/ منصور امان

بهمن ۱۳۹۵

این قطعنامه توسط منصور امان و مهدی سامع قبل از برگزاری نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تشکیلات ارایه شد و در دومین جلسه این اجلاس در بامداد روز دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۵ برابر با ۶ فوریه ۲۰۱۷ به اتفاق آرا به تصویب رسید.



گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

الف: مقدمه، زیر محک زمان

تحلیل تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در ایران طی سالهای گذشته و درک درست از آن بدون در نظر گرفتن مهمترین رویدادها در این سالها غیرممکن است. تعمیق بحران اقتصادی و عبور آن به فاجعه اقتصادی، گسترش فقر و فلاکت مردم و همزمان شتاب گیری حرکتهای اعتراضی توده ای، قیامها و خیزشهای توده ای در سال ۱۳۸۸ و پایان سال ۱۳۸۹، شکست پروژه خامنه ای برای یکدست کردن حاکمیت، آغاز «نرمش» ولی فقیه با تن دادن به مشارکت باند میانی حاکمیت در ولایت و سرانجام نوشیدن جام زهر اتمی توسط ولی فقیه اصلی ترین رویدادهاست.

ما در ششمین شورای عالی سازمان که در آبان ۱۳۸۸ برگزار شد، مواضع خود پیرامون زمینه های شکل گیری بحران غیرقانونی (انقلابی) و شکل گیری خیزشها و قیام مردم، خیزشها و جنبشهای اجتماعی مردم ایران و سازماندهی شبکه ای، پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی اسلامی به مثابه ابزار تامین هژمونی ولایت فقیه در خاورمیانه و بحران جهانی سرمایه داری و چالشهای چپ را اعلام کردیم.

در هفتمین اجلاس شورای عالی سازمان که در بهمن ۱۳۹۱ برگزار شد، ما سیر تحولات سیاسی در درون هر قدرت و در جنبش مردم ایران را مورد بحث قرار داده و تعریف خود از این شرایط را بیان کردیم. همچنین در مورد بهار عرب، سقوط دیکتاتورها، ادامه انقلاب و چالشهای جدید و خیزش برآشفستگان و جنبش اشغال وال ستريت اعلام نظر کردیم.

در مورد سیر تحولات سیاسی در درون هر قدرت و در جنبش مردم ایران ما چهار تضاد و چالش مهم در جامعه ایران را به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. این چهار تضاد عبارتند از:

- تضاد بین زیر بنای اقتصادی (سرمایه داری در یک کشور پیرامونی) با روبنای سیاسی (رژیم قرون وسطایی و متکی بر اصل ولایت فقیه)

- تضاد بین قدرت واقعی (اختیارات و قدرت ولی فقیه) و قدرت حقوقی (اصولی از قانون اساسی رژیم که به "انتخابات" بر می گردد)

- تضاد با جامعه جهانی و سیستم جهانی امپریالیستی و مناسبات نو - لیبرالیستی حاکم بر جهان

- تضاد بین رژیم حاکم و توده های مردم به مثابه اساسی ترین و عمده ترین تضاد و کانون اصلی ستیز در جامعه ایران. در آن گزارش با توجه به شرایطی که جامعه به طور کلی در آن قرار داشت نتیجه گرفته شد که: «تضادها و چالشهای درون قدرت، کشاکشهای حاکمیت با جامعه جهانی و مهمتر از همه، خشم، نفرت و فریاد اعتراض مردم نشان می دهد که ولی فقیه نتوانسته بحران غیرقانونی را مهار کند» و نتیجه گرفتیم: «استبداد مذهبی حاکم بر ایران مانع عمده در راه بهبود زندگی مردم و تحقق توسعه پایدار است...» و «فقدان قیامهای گسترده خیابانی دلیل پایان یافتن بحران غیر قانونی نیست. این بحران ادامه داشته و در ابعاد کلان تعمیق پیدا کرده است.»

بر این پایه ما نتیجه گرفتیم که مهمترین و محوری ترین تکلیف در مرحله کنونی مبارزه برای سرنگونی استبداد حاکم و مداخله برای تحقق انقلاب دمکراتیک است.

اکنون که چهار سال از آن تاریخ می گذرد، واقعیتها نشان می دهد که هر چهار تضاد ذکر شده به شکل بی سابقه تشدید شده و ولایت خامنه ای با مصرف کردن همه ذخایر نظام، در موقعیت هشدار سرنگونی قرار گرفته و برای همین صدور بحران و مداخله آشوبگرانه را در ابعاد کلان افزایش داده است. خامنه ای و کارگزاران ریز و درشت او به کرات اعلام کرده اند که اگر در سوریه نجنگند، مجبور به جنگ در تهران، مشهد، اصفهان و... هستند. این گفته به معنی آن است که مهار جنبش مردمی و پتانسیل قیام برای سرنگونی نظام از طریق مداخله نظامی در سوریه، عراق، یمن و... میسر است.

در هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان که دو سال قبل در بهمن ۱۳۹۳ برگزار شد، ما تحولات مربوط به شکست پروژه یکدست سازی حاکمیت و تن دادن خامنه ای به مشارکت باند میانی که خواستار «مشروط شدن ولایت مطلقه فقیه» هستند را مورد بررسی قرار دادیم و مواضع سازمان پیرامون مذاکرات اتمی و عقب نشینی با عنوان «نرمش قهرمانانه» را اعلام کردیم. در آن اجلاس همچنین برخی از مسائلی که مردم و جامعه به طور روزمره با آن درگیر هستند همچون هدر دادن درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، مساله نقدینگی، موضوع جمعیت و اشتغال، بیشترین واردات مایحتاج روزانه، تکان دهنده ترین آمار از سوانح کار، مقام اول در فرار مغزها، قرار گرفتن ایران در قعر جدول نابرابری جنسیتی و بالاترین میزان سوانح رانندگی مورد بحث، بررسی و اعلام موضع قرار گرفت. همچنین در آن اجلاس در مورد فاجعه تخریب مواد حیاتی رشد و توسعه پایدار همچون آب، خاک، آتش (انرژی) و هوا به تفصیل تحت بررسی قرار گرفت. در اجلاس دو سال گذشته ما همچنین ضمن اعلام رویکردها و اهداف فوری سازمان، سه مساله سوسیالیسم آلترناتیو سرمایه داری، خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران و پیدایش و صعود داعش به مثابه محصول اشغال و استبداد را مورد بررسی قرار دادیم و نظرات خود را در این موارد به ثبت رساندیم.

متن کامل مصوبات سه اجلاس شورای عالی سازمان در سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ همراه با بیانیه «پیرامون عقب نشینی خامنه ای» و منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در یک مجموعه به نام «زیر محک زمان» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

ب: نوشیدن جام زهر اتمی با عنوان «نرمش قهرمانانه»

۱ - چند ماه پس از هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان، عقب نشینی خامنه ای با پذیرش «برجام» به نقطه نوشیدن جام زهر اتمی فرارویید. سازمان ما پیرامون این عقب نشینی در روز سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، بیانیه ای با عنوان «پیرامون عقب نشینی خامنه ای» منتشر کرد. برای روشن شدن موضع ما پیرامون این رویداد مهم که سرچشمه بسیاری از رویدادهای بعدی و منجمله تشدید بی سابقه تضاد در بالا و گسترش جنبش اعتراضی در پایین است، متن کامل این بیانیه در اینجا آورده می شود:

«۱- سرانجام خامنه ای در پی بحرانهای عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین المللی، تحریمهای گسترده، افشاگریهای مقاومت ایران و تنفر و انزجار مردم از پروژه هسته ای که با شعار «زندگی انسانی حق مسلم ماست» بارها از جانب نیروهای

اجتماعی ایران بیان شد، امروز مجبور به یک عقب نشینی اجباری دیگر شد و بر متن نهایی "توافق جامع" مهر تایید زد. این توافق تا همین میزان اطلاعاتی که تاکنون در مورد مفاد آن منتشر شده، خط قرمزهای ولی فقیه را نادیده گرفته و بنابراین ضربه دیگری به اتوریتة خامنه ای در درون قدرت و در جامعه است.

۲- این عقب نشینی و نوشیدن جام زهر از جانب خامنه ای، به علت عدم قاطعیت ۶ کشور بزرگ و نادیده گرفتن بخشهایی از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، به معنی دست برداشتن رژیم از ساخت سلاح هسته ای نیست. بین پذیرش "توافق جامع" و اجرای تعهدات رژیم حفره های زیادی وجود دارد که خامنه ای می تواند از آن برای نقب زدن به سلاح هسته ای استفاده کند.

۳- ما به اعضای دایم شورای امنیت به اضافه آلمان هشدار می دهیم که نباید با تن دادن رژیم ایران به این عقب نشینی، نقض حقوق بشر در ایران را لاپوشانی کرده و در این مورد با رژیم حاکم بر ایران مماشات کنند.

۴- پروژه اتمی استبداد مذهبی حاکم بر ایران نه برای تامین انرژی که برای تضمین بقای رژیم ولایت فقیه است. برای این پروژه ضد مردمی تا کنون چندصد میلیارد دلار از جیب مردم ایران و از نان، آب، کار، مسکن و... آنها هزینه شده است. ما همان طور که بارها اعلام کرده ایم، خواستار برچیده شدن کامل این پروژه که هیچ سودی برای مردم ایران ندارد، هستیم.

۵- ولی فقیه رژیم ایران طی بیش از ده سال گذشته با پافشاری بر این پروژه و سرمایه گذاری کلان پیرامون آن، زندگی مردم ایران را به تباهی کشانده و منطقه ما را در آستانه یک رقابت هسته ای قرار داده است. از این رو خامنه ای و همه کسانی که نقش اساسی در این پروژه ضد ایرانی داشته و دارند، باید در یک دادگاه صالح به اتهام جنایت علیه مردم ایران محاکمه و مجازات شوند.

۶- ما مردم ایران و به ویژه کارگران، معلمان، پرستاران، جوانان و کارمندان را فرا می خوانیم که برای احقاق حقوق خود، برای کسب آزادی، دموکراسی و عدالت و برای تامین آب، نان، بهداشت، آموزش، کار و مسکن به مبارزه متحد ادامه داده و نگذارند که درآمدهای حاصل پس از نوشیدن جرعه های جام زهر از جانب ولی فقیه، مثل گذشته صرف سرکوبی، توسعه تروریسم، گسترش بنیادگرایی اسلامی و اختلاسهای میلیاردی شود. این حق مردم ایران است که پس از رفع تحریمها خواستار یک زندگی انسانی باشند.

۷- ما از وادار شدن رژیم به عقب نشینی استقبال می کنیم و با این حال وظیفه خود می دانیم که واقعیت را با مردم ایران در میان بگذاریم. رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و همه باندها و دسته بندیهای درونی آن هرگز به فکر زندگی و معیشت مردم ایران نبوده و تنها برای بقای خود برنامه ریزی و اقدام می کنند. از این رو کوتاه ترین و کم هزینه ترین راه برای بهبود شرایط، مبارزه برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه در تمامیت آن و استقرار یک نظام دموکراتیک، مستقل و غیر دینی است. رژیم از موضع ضعف به توافق هسته ای تن داده است، از این فرصت باید سود جست.»

۲- در ۱۸ بهمن ۱۳۹۴ به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیهکل ما اعلام کردیم: «اینک با آشکار شدن نقش تحریمها در عقب نشینی ولی فقیه، صحت مواضع ما پیرامون دفاع از تحریم بانکی، نفتی و تسلیحاتی رژیم به اثبات می رسد. ما برخلاف یاوه گوییهایی که با سپر کردن مردم، علیه تحریمها جار و جنجال می کردند، بدون آن که منکر آسیب دیدن مردم از تحریمها شویم، اعلام می کردیم که منافع قطع شریانهای حیاتی رژیم و جلوگیری از ریختن ثروت ملی به تنور هسته ای، بیش از همه نصیب مردم خواهد شد. ما برخلاف تبلیغات ساده لوحهای سیاسی و پادوها و کارچاق کنهای اقتصادی، توضیح می دادیم که مردم ایران سهمی از دلارهای نفتی ندارند، همچنان که واقعیت نشان داد، در اوج درآمدهای سرشار نفتی طی دوران احمدی نژاد، زندگی مردم فاجعه بارتر شد.» (بیانیه سچخفا به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیهکل)

۳- در ۲۶ دی ۱۳۹۴ اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در ۲۳ تیر ۹۴ به روی متن آن توافق شده بود، آغاز شد. از آغاز پروسه اجرای برجام تاکنون، دلواپسان نظام به نیابت از خامنه ای و برای مهار باند رقیب به وفور از «عهد شکنی» طرفهای خارجی صحبت می کنند و مدعی فقدان هرگونه چشم انداز مثبت در ادامه برجام هستند.

مهمترین و اساسی ترین مانع تحقق «چشم انداز مثبت» برای «تعامل اقتصادی» با رژیم، وجود نظام سیاسی ولایت فقیه است. این نظام سیاسی و در راس آن ولی فقیه هر چقدر که «نرمش قهرمانانه» در مقابل طرفهای خارجی داشته باشد، بدون پذیرش برجامهای دیگر که در نهایت هسته اصلی قدرت را پوک و پلاسیده می کند، نمی تواند «چشم انداز مثبت» برای طرفهای خارجی ایجاد کند. این موضوع هم در اساس ربطی به این که چه نیرویی در آمریکا و اروپا در قدرت سیاسی باشد ندارد و به طور عمده به ماهیت قدرت سیاسی در ایران مربوط است. این موضوع در اولین گزارش وزارت خارجه رژیم که در ۲۶ فروردین ۱۳۹۵ به کمیسیون برجام مجلس داده شد، نه به طور شفاف که در پوشش برخی کلمات دیپلماتیک در ماده ۴ بخش چالشها و موانع پیشرو بیان شده است*.

از منظر این گزارش علت عدم سرمایه گذاری «تقریبا تمامی بانکها، شرکتها و بنگاه های اقتصادی خارجی» در ایران «بی ثباتی» و فقدان «فضای اعتماد بخش و اطمینان ساز در کشور برای طرفهای خارجی» است. این گزارش به درستی تاکید می کند که سرمایه گذاران خارجی «نه به دستور دولتها» که با «منطق اقتصادی» وارد «تعاملات اقتصادی» می شوند. در عمل نیز طی دو سال گذشته دولتهای مختلف در ادامه سیاست ممانشات مشوق شرکتهای سرمایه گذاری برای عقد قرارداد با جمهوری اسلامی بودند، اما در عمل به دلایل مختلف اکثریت قاطع این شرکتها وارد تعامل با رژیم جمهوری اسلامی نشده اند. به این موضوع نیز باید توجه داشت که آنتاگونیسم بین مردم ایران و رژیم حاکم و نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران، چشم انداز ثبات از نگاه سرمایه گذاران خارجی را مثبت ترسیم نمی کند. دیالکتیک مناسبات بین رژیم و سرمایه گذاران خارجی بدون تغییر در راهبردهای اساسی نظام حاکم بر ایران از «عدم اعتماد» به «تعامل» گذر نخواهد کرد.

۴- خامنه ای گرچه به طور کامل از متن برجام حمایت کرده، اما طوری وانمود می کند که گویا نقش راهنما و توصیه کننده داشته است. اما بسیاری از پایوران رژیم و کارگزاران دخیل در مذاکرات اتمی بارها سیاه روی سفید با صراحت و شفافیت کم سابقه بر نقش اصلی خامنه ای تاکید کرده اند. در این مورد حرفهای رییس جمهور ملاها در روز سه شنبه ۱۶ آذر در دانشگاه قابل توجه است. روحانی می گوید: «ما هیچ قدمی در مساله برجام بر نداشتیم مگر اونکه با مقام معظم رهبری مشورت کردیم، جلسه گذاشتیم. ایشون نامه های مکتوبش هست، نامه هایی که به من خطاب کرده و دستوری که من دادم رو نامه های ایشون. هیچ نامه ای نبوده ایشون بنویسه و من دستور قاطع ندادم که عین اونچه ایشون گفته باید اجرا بشه. البته حالا ممکنه ما صدی که مورد نظر ما بوده در مقام عمل جایی کم و کسر آوردیم، اما مبنا بر این بوده که دستورات ایشون اجرا بشه خدا را من گواه می گیرم... شما می دانید تصمیماتی که راجع به مسائل مذاکراتی ما اتخاذ می شد، برخی از موارد ساعتها در خدمت مقام معظم رهبری تشکیل می شد. این رو من می گم برای اینکه شما مطلع باشید از تاریخ کشور از روند کار. البته یک روزی همه اینها منتشر خواهد شد.»

با توجه به این سخنان و ده ها مورد سخنان مشابه، تردیدی باقی نمی ماند که پذیرش برجام ۱ بدون تایید کامل ولی فقیه غیرممکن بود و بنابراین برجامهای دیگر و یا به بیان بهتر جامه های زهر دیگر باید از طریق خامنه ای محقق شود. نه اصلاح طلبان زهوار دررفته حکومتی و نه مدافعان ولایت فقیه مشروطه (باند میانی) در قد و قواره ای نیستند که بتوانند بدون تایید کامل ولی فقیه قدمی در این مسیر بردارند. همچنین ولی فقیه تنها با فشار مکفی تن به عقب نشینی می دهد و با توصیه و نصیحت، هیچ دیکتاتوری حاضر به عقب نشینی نشده است.

ج: موقعیت بالاییها و پایینیها

۱ - طی ۲۴ ماهی که از هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان می گذرد، ما در ۲۴ سمینار سازمانی رویدادهای مهم داخلی، منطقه ای و جهانی را مورد بحث و بررسی قرار داده و فشرده این بحثها در ۲۴ شماره نبردخلق و بیش از ۴۵۰ مقاله کوتاه در «فراسوی خبر» منتشر شده است.

لازم به کنکاش زیادی نیست تا به ابعاد و عمق تضادهای درون ولایت خامنه ای پی برد. مطالعه روزانه رسانه های حکومتی این جدال خاموشی ناپذیر را نشان می دهد.

مهمترین مشخصه مناسبات باندهای درونی رژیم جمهوری اسلامی درهم شکسته شدن اتوریته ولی فقیه است. به همین دلیل به فرموده خامنه ای انبوهی از تعریف و تمجیدهای مضمئزکننده از ولی فقیه صورت می گیرد. آخوند محمدی گلپایگانی، رییس دفتر خامنه ای، گفت: «امروز باید یک حرف زد و آن این است که چشم و گوش همه ما باید به دهان رهبری ما باشد و بس... خیال همه راحت باشد که مقام معظم رهبری در سلامت کامل هستند.» (روزنامه شرق، شنبه ۲۵ دی ۱۳۹۵)

در مورد جهت گیری و ابعاد این جدالها قطعنامه جداگانه به اجلاس شورای عالی سازمان ارایه خواهد شد.

۲- در زمینه کنش و واکنش پایینیها پیرامون رخدادها حقایق بسیاری مبنی بر حرکتهای اعتراضی توده های مردم وجود دارد. یکی از کارگزاران حکومت در مورد حرکتهای اعتراضی در استان اصفهان که دارای ۱۱۰ هزار واحد تولیدی و بیش از یک میلیون جمعیت کارگری است، به رشد جنبش کارگری اعتراف می کند. سید عبدالوهاب سهل آبادی، رییس اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به وضعیت نامطلوب کارگران در اصفهان می گوید: «متأسفانه مشکلات کارگران در اصفهان بسیار زیاد است و روزی را در اصفهان نداریم که در آن تجمعی از سوی کارگران نباشد.» (تسنیم، پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۵)

علیرضا رزم حسینی، استاندار کرمان، در مورد اعتراضات نیروهای کار در نیمه اول سال ۱۳۹۴ می گوید: «نباید در استانی مانند کرمان که بهشت معادن و صنایع است، ۶۵۰۰ اعتراض کارگری رخ دهد، خیابان مسدود شود، مردم اعتراض کنند، خانواده های کارگران در مضیقه باشند... این شرکتها که در خارج از استان سپرده های مردم را جمع می کنند، محصولات خام از معادن بر می دارند و با ۳۰ درصد ارزان تر از قیمت معمول می فروشند و ۷۰ درصد سود برای خودشان جمع می کنند و به یکباره می گذارند و می روند، یک گروه کارگر را بیچاره می کنند... مردم که در کنار معدن کرمیت زندگی می کنند، از معدن سودی نمی برند، در عوض یک شرکت خصوصی آمده و بار معدن را گونی گونی به بندرعباس می برد مردم هم از این وضعیت به ستوه آمده بودند و خیابان را بسته بودند.» (کارگران کرمان، سه شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۴)

ماهنامه «نبردخلق» که حرکتهای اعتراضی نیروهای کار را به طور ماهانه گزارش می کند، از اول فروردین ۱۳۹۴ تا پایان آذر ۱۳۹۵ حدود ۳ هزار حرکت اعتراضی از جانب کارگران، معلمان، پرستاران و مزدبگیران را به ثبت رسانده است. این تعداد حرکت اعتراضی که بی تردید همه واقعیت را پوشش نمی دهد، نشانگر آن است که زحمتکشان ایران در هر روز کاری بیش از ۶ حرکت اعتراضی انجام داده اند. این میزان حرکت اعتراضی بیان کننده این واقعیت است که پایینیها نمی خواهند به شکل گذشته به زندگی در فقر و فلاکت تن دهند و این درحالی است که خامنه ای هم نمی تواند به شکل گذشته ولایت مطلقه اش را به مردم تحمیل کند.

نکته مهمی که باید با صراحت با مردم ایران در میان گذاشت این است که نه برجام و نه هیچ تحول خارجی دیگر نمی تواند بحران اقتصادی در ایران را مهار کند. غلبه بر بحران اقتصادی در گام اول مستلزم به زیر کشیدن حاکمیت سیاسی و پس از آن مدیریت سالم و اندیشمندانه توسعه پایدار اقتصادی است. بحران اقتصادی به طور چهارنعل به سمت فاجعه

اقتصادی گذار کرده و سرنوشت و آینده مردم هر روز فلاکت بار تر می شود. حسن روحانی بارها از تاثیرات مثبت برجام بر اقتصاد کشور سخن گفته است. گرچه تحریمها برای حاکمیت به یک مساله حاد تبدیل شد، اما بحران اقتصادی در ایران ریشه های عمیق تری دارد که مهمترین آن از نظر سیاسی حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه است.

د: گذار از بحران اقتصادی به فاجعه اقتصادی در دوران پسا برجام

۱- بررسی شرایط اقتصادی در دوران پسا برجام با توجه به پارامترها اقتصاد کلان نشان می دهد که بحران اقتصادی در دو سال گذشته وارد فاجعه اقتصادی شده است. لاف و گزافهای خامنه ای در مورد اقتصاد مقاومتی فقط می تواند عقب افتاده ترین اقشار بسیج و پاسدار را فریب دهد. فقدان سرمایه گذاری موثر در تولید، رشد سرسام آور نقدینگی، افزایش نرخ بیکاری، وجود نرخ تورم دو رقمی، فساد گسترده و غنی سازی شده و... سبب آن شده که در وضعیت «رکود همراه با تورم» هیچ تغییر جدی صورت نگیرد. در حالی که بخش اعظم درآمدهای داخلی و ارزی کشور صرف تامین امنیت رژیم، گسترش سرکوبی داخلی و صدور بنیاد گرایی اسلامی و جنگ و تروریسم در خارج و به خصوص در خاورمیانه می شود، زندگی توده های مردم روز به روز به سمت تباهی و ویرانی سوق داده می شود.

درآمد سرانه متوسط طی چهل سال گذشته به شدت کاهش پیدا کرده و بر اساس آمار و گزارشهای دولتی، اکثریت مردم ایران هر سال نسبت به سال پیش فقیر تر شده اند.

به گزارش روز شنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۴ دویچه وله به نقل از اقتصاد نیوز، «درآمد سرانه ایرانیها باید ۲۵ درصد رشد کند تا به سطح سال ۱۳۹۰ برسد... و باید رشد ۷۶ درصدی داشته باشد تا به سطح سال ۱۳۵۵، یعنی دو سال پیش از انقلاب ضد سلطنتی برسد.»

صندوق بین المللی پول با پیش بینی صعودی شدن نرخ تورم در ایران طی سال ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۵ اعلام کرد ایران در سال ۲۰۱۶ با تورم ۱۷ درصدی در جایگاه چهارم جهان از نظر تورم بالا قرار می گیرد. (تسنیم، یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴)

مهرداد لاهوتی، نماینده مجلس رژیم از لنگرود، می گوید: «ما الان خودمون منابع نداریم، سرمایه نداریم، نیاز به سرمایه گذاری خارجی داریم... دولت چه جوری باید جمع بکنه؟ ۶ میلیون بیکار، ۵ میلیون معتاد، ۱۱ میلیون حاشیه نشینی، ۱۵ میلیون پرونده قضایی، خب این داستانها باید چه جوری جمع بشوند؟... آقای وزیر جهاد کشاورزی شما درست در فصل برداشت برنج، در فصلی که کشاورز تو این شرعی گیلان عرق مثل شر شر باران از بدنش داره خارج میشه، تو میگی من برنج رو ارزان می کنم؟ این عوض خدا قوته به کشاورز؟ آقا تو چیکاره هستی... شما نمی تونی کشاورزی یک کشور رو اداره کنی... تو پدر کشاورزی رو در آوردی... رتبه سرطان در کشور رتبه سوم است، اما در گیلان به جهت همین شیر آبه ها رتبه دوم رو به خودش اختصاص داده.» (راديو فرهنگ، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵)

خامنه ای در حالی که از اقتصاد مقاومتی دم می زند، نهادهای تخت امر او با میلیاردها دلار سود خالص زیر بار پرداخت مالیات نمی روند. موسسات اقتصادی همچون آستان قدس رضوی با صدها شرکت زیر مجموعه، ستاد اجرایی فرمان امام با ده ها میلیارد دلار ثروت، سازمان اوقاف و امور خیریه که فقط بخش اوقاف آن ده ها میلیارد دارایی دارد، قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه با صدها شرکت زیر مجموعه، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در نقش یک کارتل بزرگ، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان حج و زیارت و... نه تحت نظارت دولت هستند و نه مالیاتی پرداخت می کنند.

برای مثال نقش سپاه پاسداران در اقتصاد کشور در دوران روحانی همچنان قابل توجه است. پاسدار عبدالله عبداللهی سرکرده قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء که به عنوان بازوی اقتصادی سپاه پاسداران و بزرگترین پیمانکار پروژههای دولتی ایران به شمار می رود، اعلام کرد که در همکاری با دولت حسن روحانی، بیش از ۵۰ پروژه در حوزه های نفت، گاز و پتروشیمی، عمرانی و صنعتی را تا پایان سال جاری خورشیدی افتتاح می کند. به گزارش روز دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۵ راديو

فرانسه، عبداللهی «در نشست بررسی وضعیت شرکت صدرا، با تاکید بر همکاری دولت حسن روحانی با سپاه پاسداران، گفت که با وجود کمبودهای مالی، هیچ پروژه قرارگاه خاتم الانبیاء در دولت یازدهم تعطیل نشده است. پس از برگزاری جلسات متعدد با معاون اول رییس جمهور و وزراء، دولت حسن روحانی پذیرفته که پروژه های با پیشرفت بالای ۸۰ درصد با وجود کمبودهای مالی، از سوی قرارگاه خاتم الانبیاء به پیش برده شود.»

۲- یکی از سیاستهای اقتصادی حاکمیت، عدم اختصاص بودجه کافی به بخشهای تولیدی و کارآفرین و فقدان مدیریت سالم و کارآمد است. در دو سال گذشته، همچون سالهای قبل، بسیاری از کارخانه ها و واحدهای تولیدی در ایران یا تعطیل و اسقاط شدند یا با ظرفیت زیر ۵۰ درصد کار می کنند. واردات بی رویه بزرگترین ضربه را به بخش تولید صنعتی ایران وارد آورده است.

برخی از حقایق مربوط به فروپاشی بخش تولید به نقل از رسانه های حکومتی چنین است:

- طی ۲ سال گذشته ۱۵ هزار واحد اقتصادی تعطیل شده اند و واحدهای تولیدی به دلیل سیاستهای بانکی متوقف شده اند. (تسنیم ۱۶ دی ۱۳۹۴)

- رستمی معاون صنایع و معادن استان کرمانشاه گفت: بالغ بر ۸۶۰ واحد صنعتی بزرگ و کوچک در ۲۱ شهرک و ناحیه صنعتی در استان کرمانشاه در سالهای گذشته ایجاد شده است که هم اکنون به دلیل [کمبود] نقدینگی و رکود، ۷۵ درصد از این صنایع به تعطیلی کشیده شده است. (راه دانا ۲ بهمن ۱۳۹۴)

- از ۱۸۰ واحد سنگبری در شهرستان الیگودرز، کمتر از یک واحد فعال است که [این] تعطیلی سبب بیکاری حدود ۵ هزار کارگر شده است. (تسنیم ۲ بهمن ۱۳۹۴)

- غلامرضا عباسی، رییس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه های استان تهران، گفت: «در حال حاضر تولید کوره پزخانه ها به یک چهارم کاهش یافته است. در تهران حدود ۴۰۰ کوره پزخانه وجود دارد که هم اکنون فقط ۵۰ عدد از آنها فعال هستند. در ۲ تا ۳ سال گذشته ۳۵ هزار نفر نیروی کار در زمان فعال بودن کوره پزخانه ها فعالیت می کردند که این رقم امروز در زمان فعال بودن کوره پزخانه ها به ۱۵ هزار نفر رسیده است.» (تسنیم ۲ بهمن ۱۳۹۴)

- کارخانه قند یاسوج به عنوان صنعت ۴۹ ساله استان کهگیلویه و بویراحمد به دلایل متعددی از جمله منع ورود شکر قرمز تعطیل شده است. (تسنیم ۳ بهمن ۱۳۹۴)

- حمید فرزانه، رییس اتحادیه کارخانجات لبنی خراسان رضوی، گفت: «رکود، ۳۸ کارخانه لبنی در خراسان رضوی را به تعطیلی کشانده و علاوه بر این ۶۶ کارخانه باقی مانده با کمتر از ظرفیت خود فعالیت دارند.» (تسنیم ۶ بهمن ۱۳۹۴)

- کارخانه ذوب آهن سهند غرب یکی از کارخانه های تولید شمش فولادی در آذربایجان شرقی است که در منطقه خضرو در فاصله ۱۵ کیلومتری شهرستان عجب شیر واقع شده و هم اکنون تعطیل است. این کارخانه در سال ۱۳۸۷ تاسیس شده و از سال ۱۳۹۰ با آغاز فعالیت خود در زمینه تولید شمش فولادی از ذوب به یکی از بزرگترین تامین کنندگان شمشهای فولادی کارخانه های فولاد تبدیل شد. طولی نکشید که با رکود صنعت فولاد این کارخانه نیز جایگاه خود را از دست داد و البته با تغییرات پی در پی مدیریتی ضربات سنگینی به این کارخانه و کارگران آن وارد شد تا جایی که هم اکنون این کارخانه تعطیل شده است و نزدیک به ۴۰۰ کارگر و مهندس آن بیکار شده اند. (مهر ۱۴ بهمن ۱۳۹۴)

- مسعود خوانساری، رییس اتاق تهران، گفت: «رشد تولیدات صنعتی در سومین فصل سال ۹۴ در مقایسه با فصل پاییز سال ۹۳ معادل ۲۴,۸ درصد منفی شده است که حکایت از بروز رشد منفی تولیدات صنعتی در سومین فصل متوالی دارد. شاخص تولیدات صنعتی برای نه ماهه سال ۹۴ معادل ۱۱ درصد رشد منفی را نشان می دهد، ضمن اینکه رشد فروش واحدهای صنعتی در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل، با رشد منفی ۱۹ درصدی مواجه بوده است.» (مهر ۲۰ بهمن ۱۳۹۴)

- اسد الله عسگر اولادی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، گفت: «بیش از ۶۰ درصد درآمدهای دولت که در لایحه بودجه سال ۹۵ پیش بینی شده، قابل وصول نیست. سال ۹۴ سال فاجعه اقتصادی کشور بود و درآمدی ایجاد نشد که مردم بخواهند از آن مالیات بدهند. واقعاً می‌خواهید بازاریان خانه نشین شوند و در خانه‌ها بنشینند؟ واقعیت این است که دولت باید با مردم صادق تر باشد. معیشت مردم به شدت زیر سوال است و دولت مدام سعی می‌کند به گفتمان درمانی مسائل بسنده کند. با ادامه این وضع پیش بینی می‌شود که کسری فاجعه باری از بودجه در نیمه دوم سال آینده داشته باشیم. (تسنیم ۲۰ بهمن ۱۳۹۴)

- ابوالقاسم شفیعی، رییس انجمن سنگ، از تعطیلی ۷۰۰ معدن سنگ در کشور طی ۳ سال اخیر خبر داد و گفت: «تعطیلی معادن سنگ، میزان تولید این صنعت را ۳۵ درصد کاهش داده است.» (فارس ۳ اسفند ۱۳۹۴)

- محمد رضا اسماعیلی، مدیرعامل اتحادیه فرآورده های لبنی کشور، گفت: «بعد از هدفمندی یارانه‌ها نیمی از کارخانه‌های صنایع لبنی به سبب عدم حمایت‌های لازم از سوی دولت در تعطیلی به سر می‌برند. طبق آمارهای موجود، تا قبل از هدفمندی یارانه‌ها مصرف سرانه شیر در کشور حدود ۹۰ الی ۹۵ لیتر بوده که متأسفانه بعد از هدفمندی مصرف به مرز ۸۰ لیتر کاهش پیدا کرده است.» (باشگاه خبرنگاران ۲ فروردین ۱۳۹۵)

- علی یزدانی، مدیر عامل شرکت شهرک‌های صنعتی، گفت: «در سطح کشور تعداد ۷۶۵ شهرک و نواحی صنعتی در حال بهره‌برداری وجود دارد که از این تعداد ۹۸ شهرک هیچ تقاضای سرمایه گذاری ندارند و ۱۶۷ شهرک و ناحیه نیز تقاضا محور هستند.» (فارس ۲۴ فروردین ۱۳۹۵)

- داریوش دیودیده، رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت کهگیلویه و بویراحمد، گفت: «در استان کهگیلویه و بویراحمد ۷۴۰ واحد صنعتی و تولیدی وجود دارد که از این تعداد ۵۴۰ واحد فعال است. از مجموع واحدهای صنعتی و تولیدی این استان ۲۰۰ واحد تعطیل و راکد است.» (ایسنا ۳۱ فروردین ۱۳۹۵)

- اکبر شمشیری، رییس اتحادیه آهن فروشان اصفهان، با اشاره به افزایش ۳۰ درصدی قیمت آهن در بازار و رکود ۹۰ درصدی بازار آهن اصفهان گفت: «در طول ۱۵ روز گذشته قیمت آهن به دلیل افزایش قیمت آهن وارداتی از چین، برزیل و هند و افزایش تعرفه های وارداتی به هر کیلو ۱۷۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. هنوز رکود بر بازار آهن سایه انداخته و در سال جدید نیز شاهد هیچ گونه رونقی در این بازار نیستیم. در واقع دلیل این معضل توقف ساخت و ساز و عملیات اجرایی طرحها و پروژه های عمرانی در استان است. متأسفانه سال گذشته ۲۵ درصد از آهن فروشان اصفهانی به دلیل افت قیمت آهن، مشکلات دارایی و رکود موجود در بازار پروانه فعالیت خود را باطل کردند و به مشاغل دیگر و یا جمعیت بالای بیکاران پیوستند. از ابتدای سال تاکنون بازار آهن در رکود کامل به سر می‌برد و به ندرت کسی تمایل به ورود به این شغل را دارد.» (تسنیم ۳۱ فروردین ۱۳۹۵)

- عباس پاپی زاده عضو مجلس ارتجاع گفت: «طبق آمار موجود، ۶۰ درصد از واحدهای تولیدی کشور به صورت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند.» (تسنیم ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- شعبه کردستان شرکت نوشیدنیهای ایستک به دلیل آنچه نبود سرمایه و مدیریت خوانده شده به تعطیلی کشیده شد و ۱۳۳ کارگر بومی بیکار شدند. در این شرکت حدود ۱۵۰۰ نفر در مجموع به طور مستقیم و غیرمستقیم مشغول به فعالیت بودند. (مهر ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- یار الله نصیری، رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت ایلام، گفت: «۳۳ درصد واحدهای تولیدی ایلام تعطیل شدند.» (مهر ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- سهیل آبادی، رییس خانه صنعت و معدن، گفت: «در حال حاضر ۴۵ درصد از صنایع کوچک ما تعطیل هستند که این یعنی ۷۰ هزار بنگاه صنعتی کوچک. اگر این واحدها فعال شوند، ۲ میلیون شغل ایجاد می‌شود.» (ایلنا ۸ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- محمد مروج، رییس انجمن صنایع نساجی، گفت: «کارخانه های نساجی از ابتدای امسال تاکنون حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد پرسنل خود را به دلایل مختلف از جمله افزایش رکود از دست داده اند [بیکار کرده اند]. تعطیلی و توقف تولید در واحدهای نساجی در حال افزایش است. (تسنیم، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- بنا بر اظهارات محسن غیاثوند، رییس هیاتمدیره کانون سنگ ایران، در ۲ سال گذشته با تعطیلی واحدهای تولیدی، حدود ۲۵ هزار نفر تعدیل نیرو [اخراج] انجام شده است. وی گفت: «اکنون بیش از ۵ هزار واحد سنگبری در کشور وجود دارد. از دو سال گذشته تاکنون حدود ۳۰ درصد واحدهای سنگبری کشور تعطیل شده و مابقی نیز زیر ظرفیت، یعنی کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند. از دو سال گذشته تقریباً به طور میانگین ماهیانه حدود هزار نفر در حوزه سنگبری تعدیل نیرو داشته ایم، به طوری که طی این دو سال حدود ۲۵ هزار نفر تعدیل نیرو شده است. (تسنیم ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- هوشنگ بازوند، استاندار لرستان، از وجود ۱۴۸ واحد و تعاونی تعطیل شده در استان خبر داد. (ایسنا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- خبرگزاری حکومتی مهر در مورد رکود حاکم بر بازار تهران نوشت: «کرکره حجره ها سخت بالا می رود. بازار بزرگ تهران بیمار است.» (خبرگزاری مهر ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵)

- غلامعلی راستی، معاون سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی، گفت: «طبق آخرین پایشی که سال ۹۳ انجام شده، استان آذربایجان شرقی حدود ۹ هزار و ۸۰۰ واحد تولیدی فعال داشت، اما در پایش امسال تعداد این واحدها به ۴ هزار و ۸۰۰ واحد کاهش یافته که بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ واحد آن مربوط به واحدها و صنایع کوچک و خرد می شود.» (ایلنا، یکشنبه ۷ شهریور ۱۳۹۵)

۳ - تعطیلی واحدهای تولیدی و عدم سرمایه گذاری در رشته های کارآفرین و بیکاری به مساله روزمره جامعه تبدیل شده است. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳)، «بررسی آمارهای ارایه شده از سوی مرکز آمار ایران در سالهای گذشته نتایج عجیب و در عین حال تامل برانگیزی از وضعیت فعالیت اقتصادی و اشتغال در ایران ارایه می دهد، به نحوی که تا پایان سال گذشته (آخرین آمار ارایه شده توسط مرکز آمار ایران) چیزی بیشتر از ۳۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور اساساً در محاسبات و آمارهای تخصصی وارد نشده اند و به عبارتی نه شاغل هستند و نه بیکار. این گروه بزرگ از جامعه که تقریباً دو برابر کل جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهد، قدرت کوچکترین اثرگذاری را در تولید، توسعه و پیشرفت کشور بر اساس آمارهای ارایه شده ندارند و کاملاً متکی به حدود ۲۴ میلیون نفری هستند که امروز جزو جمعیت فعال اقتصادی کشور محسوب می شوند.»

بر طبق تعریف مرکز آمار از جمعیت فعال، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می شوند. در این جمعیت فعال اقتصادی زنان خانه دار، سربازان، دانشجویان و دانش آموزان نیز وجود دارند که جزو جمعیت فعال اقتصادی کشور محسوب شده اند. شاخصهای کلان اقتصادی بحرانی بودن وضعیت اقتصاد ایران را نشان می دهد. وبگاه اقتصاد آنلاین در ۸ اسفند ۱۳۹۴ نوشت: «بیکاری به بیش از ۵ میلیون نفر رسیده و در هر خانواده حداقل یک نفر بیکار است.» آخوند مصباحی مقدم، عضو کمیسیون بودجه مجلس ارتجاع، صحبت از «هفت میلیون جوان بیکار» کرد و اضافه نمود که کشور «از رکود اقتصادی به شدت رنج می برد.» (تسنیم ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵)

رییس اتاق بازرگانی رژیم واقعیت دردناکی را برملا می کند. او اعلام کرد: «هر ساعت حدود ۱۵۰ نفر به جمعیت بیکاران افزوده می شود.» (تسنیم ۲۱ فروردین ۱۳۹۵)

مسعود نیلی، کارشناس اقتصادی نزدیک به دولت روحانی در مورد ارتش بیکاران و حجم نقدینگی می گوید: «در حال حاضر اقتصاد ایران روی دو بمب ساعتی بزرگ قرار گرفته است. یک بمب ساعتی حجم بالای جمعیت غیر فعال نسبت به جمعیت فعال است که نسبت بسیار بالایی است. بمب دوم، بمب نقدینگی است. این دو بمب ساعتی هنوز فعال نشده اند و زمان انفجار را نشان نمی دهند. جمعیت غیرفعال ایرانی با عطف به جمعیت شاغلان زندگی می کنند و برای اینکه صبر آنها لبریز نشود، باید اقدامهای کوتاه مدت انجام داد». (تابناک ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵)

به گزارش ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ اقتصاد نیوز، بر اساس آمارهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۳، شاغلان فعالیتهای ساختمانی بیشتر از سایر بخشها شغل خود را از دست داده اند. بعد از این گروه، شاغلان امور عمومی و دفاع و تامین اجتماعی اجباری با ۲۰ درصد در رتبه دوم قرار دارند. بخش تولید صنعتی هم از جمله بخشهای اقتصادی است که با ۱۵٫۷ درصد بیشترین بیکاری را در میان گروه های شغلی تجربه کرده است.

قوامی، نماینده مجلس رژیم، گفت: «امروزه بیشترین نرخ بیکاری در کشور در بین فارغ التحصیلان دانشگاهی است و متأسفانه در حالیکه به عنوان یک شاخص توسعه هست که مدارک تحصیلی میره بالا باید اشتغال بیشتر بشه تولید بیشتر بشه درآمد سرانه افزایش پیدا بکنه، بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی یک معضل اساسی است.» (راديو فرهنگ، شنبه ۲۵ دی ۱۳۹۵)

«بررسی وضعیت اشتغال بانوان شاغل در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ حاکی از آن است که به طور میانگین در هر سال، نزدیک به پنجاه هزار زن از بازار کار خارج شده اند.» (مهر، شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۵)

به گزارش ۱۳ دی ۱۳۹۵ تسنیم، صندوق بین المللی پول در انتشار آمار بیکاری کشورهای جهان، از روند صعودی نرخ بیکاری در ایران طی دو سال گذشته خبر داده است. بر اساس برآوردهای این نهاد بین المللی نرخ بیکاری در ایران که در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۰٫۶ درصد بوده، در سال ۲۰۱۵ به ۱۰٫۸ درصد و در سال ۲۰۱۶ به ۱۱٫۲۸ درصد افزایش یافته است... بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۱۶ تنها ۲۲ کشور در جهان از نظر اشتغال وضعیت بدتری نسبت به ایران داشته اند. بیکاری یک واقعیت تکان دهنده جامعه ما تحت رژیم ولایت فقیه است. در کشور ما یکنفر کار می کند تا زندگی خود و چهار تن دیگر را اداره کند و نکته مهم این است که بخش بزرگی از نیروهای کار امنیت شغلی نداشته و هر لحظه در تهدید اخراج هستند.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان مازندران در این باره می گوید: «۹۰ درصد جامعه کارگری مازندران کارگر قراردادی و از امنیت شغلی برخوردار نیستند» (خبرگزاری ایرنا ۲۸ مرداد ۱۳۹۴)

رحمت الله پورموسی، دبیرکل شوراهای اسلامی کار، گفت: «در ایران ۹۴ درصد کارگران قراردادی کار می کنند». (روزنامه جهان صنعت ۸ آذر ۱۳۹۴)

غلامرضا عباسی، رییس کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران، گفت: «۹۵ درصد کارگران نسخه قرارداد کار ندارند». (روزنامه رسالت اول شهریور ۱۳۹۴)

یکی از تاثیرات منفی فقدان کار و عدم امنیت کار، مهاجرت نیروی متخصص به خارج از ایران است. طبق آمار صندوق بین المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تن از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می کنند و ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان مقام اول را از آن خود کرده است. «خروج سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی از کشور، معادل خروج ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه سالانه است، یعنی با وجود آنکه رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ منفی بوده، کشور در صادرات ثروت انسانی رتبه ممتاز در جهان را به دست آورده است» (اقتصاد ایران آنلاین ۳۰ مرداد ۱۳۹۳).

به گزارش روز سه شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۵ خبرگزاری حکومتی فارس، رییس سازمان بهزیستی کشور رشد غیرمنطقی پدیده حاشیه‌نشینی را در کنار فقر و بیکاری از مهم‌ترین تهدیدات حوزه آسیب‌های اجتماعی کشور دانست. وی تعداد جمعیت حاشیه‌نشین را «۱۲ تا ۱۳ میلیون نفر» اعلام کرد.

۴- در شرایطی که بیکاری و فلاکت دامنگیر اکثریت جامعه است، بخش قابل توجهی از بودجه کشور به اشخاص و موسساتی داده می‌شود که به طور مداوم به تبلیغ دیدگاه‌های ارتجاعی ولی فقیه مشغولند و یا مبلغ آشوبگری و صدور تروریسم هستند. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ که توسط مجلس نهم به تصویب رسید، سهم این افراد و موسسات افزایش چشمگیر داشت. در بودجه پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۹۶ همین وضع، البته با افزایش بیشتر ادامه دارد. به گزارش شبکه‌های اجتماعی، نام نهادها و افرادی که بیش از هزار میلیارد تومان از بودجه فرهنگی دریافت می‌کنند، در «جدول شماره ۱۷» پیوست لایحه بودجه ۱۳۹۵ ردیف شده است. در این جدول، نام صدا و سیما، ستاد امر به معروف و بسج فرهنگی که بودجه جداگانه دارند، قید نشده است.

توجه به افراد و موسساتی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، جهتگیری اقتصادی و عدم توجه رژیم به زندگی مردم را بهتر برملا می‌کند.

- شورای عالی حوزه علمیه قم بیش از ۳۵۱ میلیارد تومان
- شورای عالی برنامه‌ریزی حوزه علمیه خراسان ۸۱/۵ میلیارد تومان
- نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها ۱۰۵ میلیارد تومان
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۰۲ میلیارد تومان
- مرکز خدمات حوزه علمیه ۴۰۲ میلیارد تومان
- جامعه المصطفی ۲۵۶ میلیارد تومان
- مجمع جهانی اهل بیت ۳۸/۵ میلیارد تومان
- شورای سیاستگذاری حوزه علمیه خاوران نزدیک به ۲۰۳ میلیارد تومان
- شورای سیاستگذاری ائمه جمعه ۳۸ میلیارد تومان
- موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۴ میلیارد تومان
- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۶/۵ میلیارد تومان
- محمود هاشمی شاهرودی برای دانشگاه عدالت ۴/۵ میلیارد تومان
- سید محمد خامنه‌ای برادر ولی فقیه برای بنیاد حکمت اسلامی صدرا ۴/۳ میلیارد تومان
- سید هادی خامنه‌ای، برادر کوچک‌تر ولی فقیه، برای پژوهشکده تاریخ اسلام ۵۰۰ میلیون تومان
- غلامعلی حداد عادل برای بنیاد سعدی ۷/۱ میلیارد تومان
- محمد تقی مصباح یزدی برای موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۲۸ میلیارد تومان
- جوادی آملی برای موسسه اسراء بیش از ۱۱ میلیارد تومان
- جعفر سبحانی برای موسسه امام صادق بیش از ۴ میلیارد تومان
- جوادی آملی، سبحانی و مصباح یزدی برای مرکزی دیگر به نام مجمع عالی حکمت اسلامی نیز حدود ۲/۵ میلیارد تومان دریافت می‌کنند.
- محمدرضا مدرس یزدی (عضو شورای نگهبان) برای موسسه پرتو ثقلین ۱/۹ میلیارد تومان
- حجت الاسلام محمد نقدی برای موسسه ترجمان وحی بیش از ۱/۳ میلیارد تومان
- وحید جلیلی (برادر سعید جلیلی) برای جشنواره عمار ۴/۵ میلیارد تومان

- پاسدار علی اکبر مداحی برای هیات رزمندگان بیش از یک میلیارد تومان
- حجت الاسلام نواب، معاون سیاسی جامعه روحانیت مبارز، برای دانشگاه ادیان و مذاهب بیش از ۴ میلیارد تومان
- حجت الاسلام رضا مختاری برای موسسه کتاب شناسی شیعه بیش از ۳۰۰ میلیون تومان
- حجت الاسلام حمید روحانی برای بنیاد تاریخ پژوهی و دانش نامه انقلاب اسلامی نزدیک به ۳/۵ میلیارد تومان
- حجت الاسلام محسن قرائتی برای ستاد اقامه نماز جمعه ۴۴ میلیارد تومان
- بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود بیش از یک میلیارد تومان

۵ - به این بذل و بخششهای بی دریغ دولت به افراد و موسسات مبلغ جهل، جنگ و خرافات باید موضوع حقوقهای چند ده میلیونی را اضافه کرد. انتشار برخی از فیشهای حقوقی تعدادی از مدیران دولتی که حقوقهای کلان می گیرند، در ماه های گذشته به مساله مورد جدال باندهای درون هرم قدرت تبدیل شد. غلامحسین محسنی اژه ای، سخنگو و معاون اول قوه قضاییه خامنه ای، در روز پنجشنبه ۲ تیر ۱۳۹۵ اعلام کرد: «سازمان بازرسی در همین هفته از یک وزارتخانه یک لیست ۵۰ نفره را آورده بود که در این لیست حقوقهای بالای ۴۰ میلیون وجود داشت.» او اذعان نمود که: «باید قبول کنیم برخورد با کسانی که ثروت و قدرت دارند برخورد آسانی نیست.»

خامنه ای که باید نام او را در صدر لیست مفسدان و سوواستفاده کنندگان ذکر کرد، در روز چهارشنبه ۱ تیر ۱۳۹۵ ریاکارانه گفت: «موضوع حقوقهای نجومی، در واقع هجوم به ارزشها است... این موضوع نباید شامل مرور زمان شود، بلکه باید حتما به صورت جدی پیگیری و نتیجه آن به اطلاع مردم رسانده شود.» این ریاکاری بی حد و مرز خامنه ای در جهت تحت فشار قرار دادن باند میانی حاکمیت و مهار زیاده خواهی آنان است و ماهیت واقعی آن وقتی آشکار می شود که بدانیم بیت او و نهادهای اقتصادی تحت امرش هیچگاه بیلان روشنی از فعالیتهای اقتصادی و تجاری خود منتشر نکرده و به اطلاع مردم نرسانده اند.

روز سه شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۵، احمد توکلی، نماینده سابق مجلس ارتجاع، در مصاحبه شبکه ۵ تلویزیون رژیم گفت: «فساد اگر باهاش مبارزه نکنیم حتما ساقط می کنه جمهوری اسلامی رو، هر حکومتی رو ساقط می کنه... اقتصاد سیاسی استدلال می کنه که چرا فساد همه چی رو از بین می بره تولید رو نابود می کنه، سرمایه گذاری رو به تاخیر می اندازه، هزینه سرمایه گذاری رو بالا می بره، در نتیجه اشتغال کم می شه، بیکاری زیاد می کنه، اختلاف طبقاتی شدید درست می کنه، اخلاق و رفتار رو عوض می کنه، هنجارهای اجتماعی رو آسیب می زنه و مثل یک موربانه توی همه ارکان نظام... از تهدید گذشته و این اتفاق افتاده الان ما در مرحله ای هستیم که فساد سیستمی شده... وقتی که دستگاه های مسوول حفاظت سیستم از فساد، خودشون گرفتار بشوند، به درجاتی این آغاز فساد سیستمی هست و سیستم درست عمل نمی کنه. کارکرد سیستم این موجود رو تضمین نمی کنه بقایش رو... فساد سیستمی از این تعریف یک تعریف عمیق تری هم داره که اون رو ما به درجاتی بهش گرفتاریم و اون اینکه فاسدها در مجاری تصمیم سازی و تصمیم گیری حضور پیدا می کنند، در نتیجه تصمیماتی گرفته می شه و روشهایی تعبیه می شه که به طور سیستماتیک کارکرد سیستم به توزیع نابرابر درآمد منجر می شه، یعنی شکاف رو بیشتر می کنه و منابع رو بسمت افراد فاسد سوق می ده.»

جنگ فیشهای حقوقی سیمای پر از فساد و تباهی ولایت خامنه ای را در مقابل چشم مردم قرار داده است.

چندی بعد کانال تلگرام «آمدنیوز» در گزارشی اعلام کرد که ۶۳ حساب بانکی شخصی به نام صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه تحت امر خامنه ای وجود دارد که سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان سود به آنها واریز می شود. به گزارش فارس، محمود صادقی در نطق خود در روز دوشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۵ در مجلس گفت: «کدام قانون اجازه می دهد وجوه دولتی به حسابهای شخصی واریز شود؟» وی از صادق لاریجانی خواست «برای جلوگیری از ادامه سوواستفاده بیگانگان و به منظور شفاف سازی، گزارشی از عملکرد ۵ ساله حسابهای مورد بحث و مصارف سود حاصله از آنها منتشر کند.» پس از طرح این

پرسشها، سرنوشت محمود صادقی به بیدادگاه رژیم کشیده شد و صادق لاریجانی با لحنی شدید از حسن روحانی و علی لاریجانی انتقاد کرد که چرا از او در برابر این «تهمتها» دفاع نکردند.

بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه های رسمی، برخی از انواع فسادهای کلان حکومتی به قرار زیر است

- سه هزار بورسیه غیرقانونی دانشجویان دکترا
- فساد ۳۲ میلیاردی در وزارت علوم
- اختلاس بزرگ سه هزار میلیارد تومانی در بانکها (مه آفرید امیرخسروی)
- اختلاس در بیمه ایران در فروردین ۱۳۸۹
- اختلاس نفتی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورویی (بابک زنجانی)
- یک هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان تخلفات مالی دانشگاه آزاد
- اختلاس در سازمان تامین اجتماعی
- سرنوشت مبهم دکل گمشده ۸۷ میلیون دلاری
- پروژه ۷۰۰ میلیون دلاری راه آهن اترک/ برکت
- واردات خودروهای لوکس به جای کالاهای اساسی، واردات ۳۶۰۰ میلیارد تومان خودرو لوکس با ارزش مرجع، واردات ۲۷ هزار خودروی لوکس مانند پورشه و لگژوز
- چهل و دو میلیارد دلار بدون حساب و کتاب در گردش مالی بانکی
- کشف هیجده میلیارد دلار و نیم با کامیون از ایران به ترکیه تاجر ایرانی به نام اسماعیل صفاریان نسب
- رانت ۷ هزار میلیارد تومانی سه صراف با همکاری بانک مرکزی
- اختلاس ۱۲ هزار و ۲۷۱ میلیاردی بانک تجارت کرمان
- تخلف ۲۲ میلیارد دلاری ارزی بانک مرکزی
- اختلاس ۹۴ هزار میلیارد تومانی پدیده شاندیز
- اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در بانک صادرات
- عدم واریز هشت هزار میلیارد تومان پول نفت پالایشگاه ها به خزانه
- عدم واریز درآمد صادرات گاز به ترکیه در سال ۹۲
- پرونده فساد ۶۵۰۰ میلیارد تومانی فردی که بدون حساب و کتاب از بانکها وام گرفته است
- فساد مالی ۹۰ میلیارد تومانی در ستاد سوخت
- اختلاس مبلغ ۳۲۴ میلیارد تومانی مدیرعامل شرکت تبرک
- پرونده زمین خواری و اختلاس در فروش سهام پدیده
- اختلاس ۶۱۷ میلیونی دهیار شهرستان خواف استان خراسان رضوی
- اختلاس ۶۷۰ میلیارد ریال در گمرک
- اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی مدیر عامل پتروشیمی ایلام
- پاداش ۱۰۰ میلیون تومانی به مدیرعامل شرکت مخابرات ایران
- پاداش سه میلیارد تومانی برای هیات مدیره چهار بانک
- پاداش ۸ میلیاردی برای ۶ عضو هیات مدیره بانک پارسیان
- اختلاس ۳۰۵ میلیاردی از ایران خودرو
- اختلاس ۱۲ میلیاردی در کمیته امداد
- فسادهای میلیاردی سازمان میراث فرهنگی

- تصرف ۵۵ هکتار از اراضی ملی در استان البرز
 - فساد در فروش فرودگاه قشم
 - اختلاس ۳۰۰ میلیارد تومانی در یکی از بانکهای اصفهان
 - ۱۳ هزار میلیارد تومان تخلفات مالی و زمین خواری در جزیره قشم
 - بنابه گزارش همین منابع، نام و سمت شماری از متهمان یا شرکای فساد حکومتی از این قرار است:
 - محمد شمش، متهم ردیف دوم پرونده فساد نفتی
 - حمید فلاح هروی، متهم ردیف سوم پرونده فساد نفتی
 - رضا ضراب، همکار بابک زنجانی
 - سید شمس الدین حسینی، وزیر اقتصاد در دولت احمدی نژاد، معرف بابک زنجانی
 - رستم قاسمی، وزیر نفت دولت احمدی نژاد، معرف بابک زنجانی
 - مهدی غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت در دولت دوم محمود احمدی نژاد، معرف بابک زنجانی
 - محمود بهمنی، ریاست سازمان بانک مرکزی، معرف بابک زنجانی
 - علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه وقت احمدی نژاد، معرف بابک زنجانی
 - مصلحی وزیر اطلاعات در دولت احمدی نژاد، معرف بابک زنجانی
 - سعید مرتضوی، دادستان سابق کل کشور، ریاست سابق سازمان تامین اجتماعی
 - سید حسن میرکاظمی، فرمانده بسیج مسجد الهادی در تپه شمس آباد تهران و مدیر عامل کارخانه دنیای فلز
 - عنایت الله ریاحی، خواهرزاده مشایی.
 - فاضل لاریجانی، برادر علی لاریجانی، رییس مجلس و صادق لاریجانی ریاست قوه قضاییه
 - ۱۷۰ نماینده مجلس دریافت کننده پول از رحیمی، برخی نمایندگان ۳۰ تا ۹۰ میلیون تومان از رحیمی رشوه گرفته اند.
- ۶ - حجم نقدینگی اقتصاد کشور را پوک کرده و مرزهای فاجعه را پشت سر گذاشته است. سیستم بانکی و رانتهای بی دنده و ترمز سبب انباشت نقدینگی در دست افراد خاص در درون هرم قدرت و یا پیرامون آن شده است.
- در گزارش سیاسی مصوب هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان در مورد نقش مخرب نقدینگی آمده است: «یکی از پارامترهای بحران اقتصادی در ایران افزایش سرسام آور نقدینگی است که یکی از مهمترین علل تورم افسار گسیخته است. نقدینگی که پول نقد و مسکوک (اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به اضافه سپرده های دیداری و سپرده های غیر دیداری) است باید متناسب با میزان تولید کالا و خدمات باشد. در غیر این صورت بدون تردید باعث تورم با رکود در تولید خواهد شد.
- در سال ۱۳۵۷ و همزمان با به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، حجم نقدینگی حدود ۲۵۸ میلیارد تومان بود. در سال ۱۳۶۵ این میزان به حدود یک هزار میلیارد تومان رسید و در آستانه روی کار آمدن احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، حجم نقدینگی به حدود هفتاد هزار میلیارد تومان افزایش یافت. در دوران ۸ ساله احمدی نژاد میزان نقدینگی رشد خیره کننده ای یافت و در شهریور ۱۳۹۲، یعنی در پایان دولت احمدی نژاد، به حدود ۵۰۶ هزار میلیارد تومان رسید. با روی کار آمدن حسن روحانی شتاب افزایش نقدینگی ادامه پیدا کرد...»
- رسانه های حکومتی رشد سرسام آور نقدینگی در یک سال گذشته را بی سابقه می دانند. به گزارش این رسانه ها و بر اساس اعلام بانک مرکزی، نقدینگی در پایان آبان ۱۳۹۵ به حدود ۱۱۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. پیش بینی می شود که تا پایان اسفند ۱۳۹۵، این رقم به ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. افزایش حجم نقدینگی طی این مدت بیش از

۲۵۴ هزار میلیارد تومان بوده است که نه تنها بزرگترین افزایش حجم نقدینگی سالانه در تاریخ ۳۸ ساله جمهوری اسلامی است، بلکه بزرگترین افزایش حجم نقدینگی یکساله تاریخ ایران به حساب می آید.

بخش مهمی از این نقدینگی به معوقات بانکی مربوط است. از آن جا که نظام بانکی ایران به شدت فاسد است، این معوقات که بیشتر مربوط به شرکتها یا سازمانهای دولتی و یا در اختیار موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز است، بازگشت داده نمی شود.

بر اساس خبرهای منتشر شده در رسانه ها و شبکه های اجتماعی، تمام بانکها، شرکتها و موسسات وابسته به خود را با سرمایه های کلان اداره می کنند.

به خاطر عملکرد غیر شفاف بانکها که بخشی از آنها به واسطه سپاه پاسداران در پولشویی و یاری رساندن به تروریسم شرکت دارند، نام رژیم ایران همچنان در لیست سیاه پولشویی و کشورهای پر خطر برای مبادله اقتصادی باقی مانده است. نهاد بین المللی «کار گروه ویژه اقدام مالی» (FATF) در نشست سال ۱۳۹۴ خود، رژیم ایران را در فهرست کشورهای که همکاری اقتصادی با آنها به دلیل پولشویی و تامین مالی تروریسم دارای ریسک بالایی است، نگه داشته است. این نهاد با وجود حفظ جمهوری اسلامی در لیست سیاه خود، سطح هشدار در مورد آن را به گونه آزمایشی و برای یک دوره یکساله ثابت نگهداشته و افزایش نخواهد داد.

بانک مرکزی ۳ سال به بانکهای کشور فرصت داده است تا همه شرکتهای تابعه را واگذار کنند، اما در عمل اراده چندانی در میان بانکها برای تحقق این موضوع دیده نمی شود.

برگزاری مزایده های غیر شفاف که با واگذاریهای رانتهی نیز همراه است به جای عرضه از طریق بورس، نیز یکی از راهکارهای بانکها برای فرار از واگذاری واقعی بنگاه ها است. در یک گزارش که در سایت انتخاب پوشش داده شده، نام بخشی از موسسات وابسته به بانکها که به طور رسمی تابعیت شان اعلام شده، درج گردیده است. هرچند بعد از اعتراضهای فراوان نسبت به بنگاهداری بانکها، بسیاری از اطلاعات مربوط به این شرکتها پنهان نگاهداشته است و به تدریج ردیابی شرکتهای وابسته به بانکها سخت تر می شود، اما همچنان هستند شرکتهایی که آشکارا نام شان در لیست بنگاههای وابسته به بانکها منتشر می شود. تعداد این شرکتها بالغ بر ۲۸۱ بنگاه است که بخش اعظمی از گردش اقتصادی کشور را در اختیار دارند (اسامی برخی از این شرکتها در پیوست شماره یک).

و: هدف نهایی، تکالیف فوری ما و راهکارهای عملی

۱- سازمان ما در منشور و در مصوبات اجلاسهای شورای عالی بارها بر این که ما کمونیستها برای برچیدن نظام مبتنی بر استثمار مبارزه می کنیم تاکید کرده است. در سند پیوست شماره یک گزارش سیاسی مصوب هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان، ما اعلام کردیم که: «سازمان ما خود را در جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار "از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش" مبارزه می کند.»

از نظر ما، همان گونه که در منشور سازمان قید گردیده، «دیدگاه ها و اندیشه های رهبران و تئوریسینهای برجسته جنبش جهانی کمونیستی و از جمله مارکس، انگلس، لنین و... نه یک "شریعت جامد"، بلکه "رهنمود عمل" است. از این جهت ما هرگونه ساده اندیشی، کپی برداری، دگماتیسم، شریعت سازی، مطلق گرایی و تحجر را که بزرگترین مانع تکامل اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی است، رد می کنیم. اندیشه و تئوریهای ما باید انسان را مرکز توجه قرار داده و هماهنگ با دستاوردهای علمی باشد. سازمان به این امر واقف است که در اندیشه و تئوری اش به ناچار محدودیتها، ناتوانیها، چالشها، ضعفها و تنگنمایی وجود دارد که تنها در تلاش برای تطابق با پیشرفت عینی جامعه و توجه اکید به دستاوردهای علمی و فنی بشریت می تواند بر آنها غلبه نماید. سازمان اعتقاد ندارد که برای تمام مسایل یک پاسخ حاضر و آماده دارد و بنابراین در اندیشه و تئوری، مدافع مدار، تسامح، نقد، پژوهش و بررسی دقیق عمل اجتماعی به مثابه محک تئوری می باشد... ما

علیه هرگونه تبعیت و دنباله روی از نهادها، ارزشها و روشهای سنتی که همواره از توسعه علمی و فنی فاصله می گیرند، مبارزه می کنیم.» (مواد ۲، ۳ و ۴ منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آبان ماه ۱۳۷۶)

سازمان ما مدافع اتحاد کمونیستها همزمان با به رسمیت شناختن گرایشات و دیدگاههای گوناگون با حفظ مرزهای معین و خط سرخهای روشن است. از این جهت ما بار دیگر «از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.»

۲- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در تمامی پهنه های دولتی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض مذهبی مبارزه می کند.

ما خواهان فرصتهای برابر در زمینه های آموزش، بهداشت، حرفه و... برای تمام مردم مستقل از جنسیت، نژاد، مذهب و تعلق اجتماعی هستیم.

ما از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از هر تلاش برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می کنیم.

ما مخالف شکنجه و مجازات اعدام هستیم و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی مبارزه می کنیم.

ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر و پایداری حقوق و سرکوب فعالان سیاسی و مدنی در ایران و بازدید گزارشگر ویژه حقوق بشر از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی هستیم.

۳- ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده حمایت می کنیم. ما ضمن همبستگی با جنبش اعتراضی نیروهای کار، از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران مندرج در پیوست شماره ۲ همین سند، پشتیبانی می کنیم.

۴- مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون برای دمکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود مبارزه کرده اند. بیش از صد سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند.

ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند، درود می فرستیم و با مبارزه مردم ایران علیه استبداد، فقر، جهل و تبعیض اعلام همبستگی می کنیم.

ما خاطره تمامی زنان و مردانی که در بیش از یک صد سال گذشته در رزم بی امان با ستمگران، در راه آزادی و عدالت به شهادت رسیدند را گرامی می داریم و به همه زندانیان سیاسی که زیر فشار و شکنجه دژخیمان خامنه ای مقاومت می کنند، درود می فرستیم.

۵- هدف عاجل و مقدم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سرنگونی رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن است. به خاطر دستیابی به این هدف و کاستن از هزینه های گزاف مبارزه علیه استبداد دینی ما به ائتلاف سیاسی شورای ملی مقاومت ایران پیوستیم و به سهم خود در این ائتلاف ایفای نقش می کنیم. ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراها هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.

ما ضمن تحریم شعبده بازی موسوم به انتخابات ریاست جمهوری در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶، زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری لاییک، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

این گزارش توسط مهدی سامع قبل از برگزاری نهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تشکیلات ارائه شد و در نخستین جلسه این اجلاس در روز یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ برابر با ۵ فوریه ۲۰۱۷ با تغییراتی به اتفاق آرا به تصویب شورای عالی سازمان رسید.

پانویس

* «بزرگترین مشکل و چالشی که برجام با آن مواجه است یک فضای اعتماد بخش و اطمینان ساز در کشور برای طرفهای خارجی است. نکته آن است که تقریباً تمامی بانکها، شرکتها و بنگاههای اقتصادی که از آنها انتظار بازگشت به فضای قبل از تحریم و تعامل و همکاری اقتصادی با ایران می رود، متعلق به بخش خصوصی هستند و با منطق اقتصادی نه به دستور دولتهای خود وارد تعاملات اقتصادی می شوند. به بیان دیگر محاسبه هزینه-فایده است که بنگاههای اقتصادی را وارد یک تعامل اقتصادی می کند و مهمترین عامل در این محاسبه، میزان اطمینان به این تعامل و فضای پیرامونی آن است. چنانچه یک بنگاه اقتصادی به این جمعبندی نرسد که بازار هدف محیط امنی برای سرمایه گذاری، تجارت و کلاً هر گونه همکاری اقتصادی است، مسلماً نه اقدام به سرمایه گذاری می نماید، نه انتقال فناوری می کند، نه وارد پروژه های بزرگ می شوند و نه خود را در معاملات کلان درگیر می کند. حداکثر آنکه به تجارت کوتاه مدت و در سطح پایین بسنده خواهد کرد. در فضای پرآشوب -سرمایه گریز- خاورمیانه و در فضای پر تردید نسبت به میزان پایبندی همه طرفها به برجام، طبیعی است که بسیاری از بنگاههای اقتصادی با تامل برخورد می کنند تا در مرور زمان پایبندی طرفها به تعهدات خود اثبات گردد. برای درمان این مشکل علاوه بر ایجاد حس رقابت، می بایست فضای اطمینان بخشی را برای طرفهای اقتصادی خود ایجاد نموده و چشم انداز مثبتی از تعامل اقتصادی با ایران را برای همگان ترسیم کنیم تا باعث شود ترس و نگرانی از تعامل با ایران فرو ریخته و رغبت همکاری ایجاد گردد.» (تسنیم، یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۵)

پیوست شماره یک

*بانک صادرات:

شرکت ساختمانی «سپهر تهران»
شرکت ساختمانی «مشهد»،
شرکت ساختمانی «اصفهان»
شرکت ساختمانی «فارس»
«هلدینگ خلیج فارس»
«نیروگاه شهید منتظر قائم فردیس کرج»
«سرمایه گذاری غدیر»
«شرکت واسپاری سپهر تهران»
«صرافی سپهر»
«شرکت سپهر انرژی»

*بانک مسکن :

«شرکت لیزینگ گستر آریا»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن»
«شرکت عمرانی مسکن گستر»،
«شرکت کارگزاری بانک مسکن»
«شرکت تعاونی خدماتی، پشتیبانی بازنشستگان بانک مسکن»
«شرکت مهندسين مشاور سرمایه گذاری مسکن»
«شرکت بازرگانی سرمایه گذاری مسکن»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن تهران»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن شمال شرق»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن زاینده رود»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن پردیس»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن منطقه غرب»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن شمال»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن جنوب»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن شمال غرب»
«شرکت پارس مسکن خزر»
«شرکت سرمایه گذاری مسکن الوند»
«شرکت پارس مسکن البرز»
«شرکت پارس مسکن سامان»
«شرکت مهندسين مشاور سرمایه گذاری مسکن»
«شرکت بازرگانی سرمایه گذاری مسکن»

«شرکت پارس مسکن سامان»

«شرکت ناواکو»

*بانک اقتصاد نوین :

شرکت بیمه نوین
شرکت خدمات ارزی و صرافی اقتصاد نوین
شرکت پرداخت نوین آرین
شرکت خدمات و پشتیبانی اقتصاد نوین
شرکت لیزینگ اقتصاد نوین
شرکت مدیریت سرمایه اقتصاد نوین
شرکت خدمات مالی و اعتباری راه اقتصاد نوین
شرکت تامین سرمایه نوین
شرکت سرمایه گذاری اقتصاد نوین
شرکت کارگزاری بانک اقتصاد نوین
شرکت خدمات رایان اقتصاد نوین

*بانک ملی:

«صرافی بانک ملی»
«کارگزاری بانک ملی»
«شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی» که سهامدار در مجموعه های زیر است:
«سهامداری پتروشیمی شازند»،
«سهامداری «سیمان قائن»»،
«سهامداری «سیمان شمال»»،
«سهامداری «سیمان کرمان»»،
«سهامداری در «سیمان اردبیل»»،
«سهامداری در «سیمان داراب»»،
«سهامداری در «سیمان مازندران»»،
«سهامداری در «نساجی مازندران»»،
«سهامداری در «نساجی بروجرد»»،
«سهامداری در «مخمل و ابریشم کاشان»»،
«سهامداری در «دوده صنعتی پارس»»،
«سهامداری در «توسعه صنایع بهشهر»»،
«سهامداری در «ایران ترانسفو»»،
«سهامداری در «عایقهای الکتریکی پارس»»،
«سهامداری در «چوب و کاغذ مازندران»»

«شرکت تامین اندیش پارس»
 «شرکت تامین سرمایه لوتوس پارسیان»
 «شرکت یاری رسان پارسیان»
 «صندوق سرمایه گذاری لوتوس پارسیان»

*بانک شهر :

«گروه توسعه اقتصادی رستا»
 «سرمایه گذاری شهر آتیه»
 «نوسازان شهر تهران»
 «ساختمان و عمران شهر پایدار»
 «شرکت مسکن و ساختمان جهان»
 «شرکت بیمه شهر»
 «شرکت صرافی شهر»
 «شرکت تأمین سرمایه آرمان»
 «شرکت لیزینگ شهر»
 «شرکت توسعه و نوآوری شهر»
 «شرکت جهان اقتصاد و سرمایه آتیه ایرانیان»
 «شرکت کارگزاری شهر»
 «شرکت توسعه تجارت جهان آتیه شهرکیش»
 «شرکت جهان تجارت شهر آتیه»

*بانک تجارت :

«شرکت سرمایه گذاری و ساختمانی تجارت»
 «سیمرغ»
 «آرتا تجارت زرین»
 «گروه صنعتی و معدنی سیمان تجارت مهریز»
 «گروه صنایع کاغذ پارس»
 «آرد تجارت»
 «خدمات مسافرتی و توریستی آهوان»
 «ایران پوپلین»
 «شهر صنعتی البرز»
 «صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران»
 «خدمات تجارت»
 «ساختمانی عمرانی عامری»
 «مولد نیروگاهی تجارت فارس»
 «بازرگانی چاپک تجارت»

سهامداری در «قند نقش جهان»
 سهامداری در «شیمی کشاورز»
 سهامداری در «فرآورده های غذایی مشهد شیفته»
 سهامداری در «داروسازی جابرین حیان»
 سهامداری در «ارج»

سهامداری در «صنایع کاشی اصفهان»
 سهامداری در «داروسازی اسوه»
 سهامداری در «گروه صنعتی بارز»

*بانک دی :

«شرکت سرمایه گذاری بوعلی»
 «شرکت خدمات مالی و حسابداری و مشاوره سرمایه گذاری دی ایرانیان - سهامی خاص»
 «شرکت تجارت گستر فرداد - سهامی خاص»
 «شرکت توسعه دیدار»
 «شرکت تجارت الکترونیک دی»
 «شرکت آتیه سازان دی»، «شرکت کارگزاری بانک دی»
 «شرکت بیمه دی»
 «شرکت لیزینگ دی»
 «شرکت سرمایه گذاری بوعلی»
 «شرکت تجارت گستر فرداد»
 «شرکت صرافی دی»
 «صندوق سرمایه گذاری بانک دی»
 «شرکت رویای روز کیش»
 «شرکت عمران مسکن آبادی»
 «شرکت خدمات مالی دی ایرانیان»

*بانک پارسیان :

«شرکت تجارت الکترونیک پارسیان»
 «شرکت تأمین خدمات سیستم های کاربردی کاسپین»
 «شرکت سرمایه گذاری پارسیان»
 «شرکت توسعه ساختمانی پارسیان»
 «شرکت گسترش هتلهای لوتوس پارسیان»
 «شرکت کارگزاری پارسیان»
 «شرکت صرافی پارسیان»
 «شرکت خدمات مشاور خرد پیروز»

«پتکین»

«زیست خاور»،

«عمرانی تجارت»

«بهره برداری تولید برق فارس»

«مهندسين مشاور تجارت»

***بانک انصار**

«پروژه بزرگ «اطلس مال»

«شرکت سامانه الکترونیک انصار»

«شرکت سامانه الکترونیکی هوشمند راهبرد ایرانیان»

«شرکت نوین پدیده انصار»

«شرکت مادر تخصصی کارکنان بانک انصار»

«سرمایه گذاری دانابان پارس»

«سرمایه گذاری ایرانیان اطلس»

«فناوران حفیظ سامانه»

«لیزینگ انصار»

«صرافی انصار»

***پست بانک:**

«شرکت صرافی فراز اعتماد»

***بانک توسعه صادرات :**

«کارگزاری توسعه صادرات»

«شرکت صرافی توسعه صادرات»

«صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی توسعه صادرات

شریف»

«مرکز مطالعات بانکداری اسلامی»

«صندوق سرمایه گذاری بانک توسعه صادرات»

***بانک سامان:**

«پرداخت الکترونیک سامان کیش»

«سامان صرافی»

«ارتباطات ماهواره ای سامان»

«کارگزاری بانک سامان»

«شرکت اطلاع رسانی اعتباری و اعتبارسنجی ایرانیان»

«شرکت پردازشگران سامان»

«شرکت آفتاب تجارت سامان»

«شرکت نرم افزاری تندرنور»

***بانک کشاورزی :**

«شرکت نوین کشاورز»

«کارگزاری بانک کشاورزی»

«شرکت خدمات ارزی مهر»

«شرکت سرمایه گذاری کشاورزی ایران»

«شرکت تراکتورسازی جیرفت»

«شرکت خوش طعم میبد»

«صندوق بیمه کشاورزی»

«شرکت گسترش فناوریهای نوین کشاورز»

***بانک رفاه کارگران:**

«توسعه فناوری رفاه پردیس»

«شرکت کارگزاری بانک رفاه»

«شرکت بازرگانی رفاه صنعت پردیس»

***بانک خاورمیانه**

«شرکت تأمین سرمایه»

«شرکت کارگزاری»

«شرکت صرافی»

«شرکت فناوری اطلاعات»

*بانک حکمت ایرانیان:

«توسعه فناوری و تجارت حکمت»

«توسعه و عمران حکمت ایرانیان»

***بانک پاسارگاد**

«شرکت سرمایه گذاری پارس آریان»

«لیزینگ ماشین آلات و تجهیزات پاسارگاد»

«مدبران ساخت آریان، توسعه تجارت اندیشه نگر

پاسارگاد»

«توسعه انبوه سازی پاسارگاد»

«خدمات فناوری نوآور پاسارگاد»

«مبنای خاورمیانه»

«گسترش بازرگانی بین المللی گروه پاسارگاد»

« خدمات ارزی و صرافی پاسارگاد »

« ساختمان و شهرسازی هشتم »

« تدبیر گران پاسارگاد »

« شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع

معدنی خاورمیانه میدکو »

« شرکت فولاد سیرجان ایرانیان »

« شرکت فولاد زرنند ایرانیان »

« شرکت مهندسی معیار صنعت خاورمیانه »

« شرکت بازرگانی آفتاب درخشان خاورمیانه »

« شرکت بابک مس ایرانیان »

« شرکت فولاد بوتیای ایرانیان »

« شرکت فروسیلیس غرب پارس »

« شرکت کارآوران صنعت خاورمیانه »

« شرکت فرآوران ذغالسنگ پابدانا »

« شرکت GMI Project Ltd »

« شرکت ساختمانی گسترش و نوسازی صنایع ایرانیان مانا

«

« شرکت گسترش انرژی پاسارگاد »

« شرکت خدمات پشتیبان پاسارگاد آریان »

« سامان ساخت آریان »

« شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان »

« شرکت بیمه پاسارگاد »

« شرکت مدیریت بازرگانی آینده نگر پاسارگاد »

« شرکت تامین آتیه سرمایه انسانی پاسارگاد »

« شرکت مشاوره رتبه بندی اعتباری ایران »

***بانک گردشگری:**

« شرکت کارت گردشگری »

« شرکت تلاش گران اندیشه کاراد »

« شرکت تجارت بین الملل هم و طا »

« توسعه امید افق گردشگری »

***بانک قوامین:**

شرکت «عمران نقش پردازان امین» است.

«سایان کارت»

«شرکت افق توسعه قرن»

«مؤسسه فرهنگی، ورزشی و آموزشی پاس»

«شرکت سرمایه گذاری مهرگان»

«گروه اقتصادی مهرگان»

***بانک ایران زمین:**

« شرکت کارگزاری »

« صرافی ایران زمین »

«تأمین سرمایه»

«صندوق بانک ایران زمین»

«صندوق سرمایه گذاری ملت ایران زمین»

***بانک صنعت و معدن:**

« بانک تجارتي ایران و اروپا »

«سرمایه گذاری صنایع شیمیایی ایران»

«سرمایه گذاری آتیه دماوند»

«سرمایه گذاری صنعت و معدن»

«لیزینگ صنعت و معدن»

«کارگزاری بانک صنعت و معدن»

«لیزینگ آتیه الوند»

«شبکه صرافی صنعت و معدن»

***بانک توسعه تعاون:**

شرکت «سمات»

«صرافی توسعه و تعاون»

«خدمات پشتیبانی توسعه و تعاون»

«قرض الحسنه بانک توسعه تعاون»

خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران

- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران ایران که در زیر آمده حمایت کرده و همبستگی خود را با جنبش نیروهای کار اعلام می کند.
- * حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای نیروهای کار یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معلمان، پرستاران، کارگران بخش خدمات و...)
- * لغو و رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد در حقوق کار و در تمامی شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پذیرش کنوانسیون جهانی منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان
- * به رسمیت شناختن حق اعتصاب، تجمع و تظاهرات به عنوان حقوق پایه ای نیروهای کار
- * آزادی کلیه زندانیان سیاسی به شمول فعالان کارگری
- * تامین امنیت شغلی برای همه کارگران، لغو قراردادهای موقت و قراردادهای شرکتهای پیمانکاری و سفید امضا و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به طور کامل
- * به رسمیت شناختن حداکثر ۸ ساعت کار در روز، دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با حقوق
- * تعیین حداقل دستمزد با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و تشکلهای مستقل کارگری، متناسب با افزایش نرخ واقعی تورم. محاسبه حداقل حقوق براساس تامین نیازهای زندگی شرافتمندانه و انسانی یک خانوار چهار نفره
- * توقف کامل اخراجها و بیکارسازی و ایجاد سیستم بیمه اجتماعی برای تمامی نیروهای کار
- * لغو کامل کار کودکان
- * تامین حقوق بازنشستگان برای زندگی بدون دغدغه اقتصادی
- * تعطیل رسمی و همگانی اول ماه مه و لغو هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم روز جهانی کارگران

آفتابکاران جنگل

سَر اُومد زِ مستون، شِکَفْتِه بَهارون
 گُلِ سُرُخ خورشید باز اُومد و شب شد گُریزون
 کوهها لاله زارن، لالهها بیدارن
 تو کوهها دارن گُلِ گُلِ آفتابو میکارن
 توی کوهستون، دِلش بیداره
 تفنگ و گُل و گندم داره میاره
 توی سینه اش جان جان جان
 په جَنگل سِتاره داره، جان جان، په جَنگل سِتاره داره
 سَر اُومد زِ مستون، شِکَفْتِه بَهارون
 گُلِ سُرُخ خورشید باز اُومد و شب شد گُریزون
 لُبش خنده نور
 دِلش شعله شور
 صِدَاش چِشمه و یادش آهوی جَنگل دور
 توی کوهستون، دِلش بیداره
 تفنگ و گُل و گندم داره میاره

توی سینهاش جان جان جان
 په جنگل ستاره داره، جان جان، په جنگل ستاره داره

انترناسیونال

اوژن پوتیه

ترجمه: ابوالقاسم لاهوتی

با آهنگ سروده پییر دژیتیر Pierre Degeyter

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی
 شوریده خاطر ما را برده، به جنگ مرگ و زندگی
 باید از ریشه براندازیم، کهنه جهان جور و بند
 وآنکه نوین جهانی سازیم، هیچ بودگان هر چیز گردند
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است نجات انسانها
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است، نجات انسانها

برما نبخشند فتح و شادی نه بت، نه شه، نه قهرمان
 با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان
 تا ظلم از عالم بروبیم، نعمت خود آریم به کف
 دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتی که آهن گرم است
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است نجات انسانها
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است نجات انسانها

تنها ما توده جهانی، اردوی بیشمار کار
 داریم حقوق جهانبانی، نه که خونخواران غدار
 گرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنان و دژخیمان
 در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است نجات انسانها
 روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
 انترناسیونال است نجات انسانها